

ماهنامه اجتماعی و ورزشی

وقت طلایی

آبان ماه ۱۴۰۴ - سال ششم - شماره ۶۷ - قیمت ۳۰۰ هزار تومان



بر جای مانده از سومین

دوره مسابقات المپیک آسیایی بحرین

کار بزرگ جوانان آینده ساز در منامه





fam Fitness Club
Family & Motion

مجموعه ورزشی و تندرستی فم



Exclusive
For Ladies & Kids



Crossfit



Crossfit



Kids Zone



Spa



Buffet



Coach



Clinic



No.118, West Soleimani St.
Andarzgoo Blvd



021- 2269 2501
021- 2269 5771



fam.fitnessclub

fam
Fitness
Club

Family & Motion



یادداشت مدیر مسئول

انجام وظیفه، بلکه برای «بازی کردن» نقشی که برایش احساس غرور دارند. چنین احساسی، سطحی از انگیزش درونی ایجاد می‌کند که حتی بهترین سیستم‌های پاداش مالی قادر به ایجاد آن نیستند. اما تفاوت دیگر در نگاه به استعداد است. مربی فوتبال عادت دارد استعدادها را کشف و پرورش دهد. او می‌داند هر فرد سرعت یادگیری، نقش، و انگیزه متفاوتی دارد. به همین دلیل، وقتی مدیرعامل شود، سیستم ارزیابی عملکرد انسانی تر و هوشمندتر می‌کند. دیگر خبری از معیارهای خشک و یکسان نخواهد بود. او به جای تمرکز بر کمیت کار، بر کیفیت رشد فردی تمرکز می‌کند. کارکنان با احساس دیده شدن و درک شدن، وفادارتر و خلاق‌تر می‌شوند. در چنین سازمانی، جلسات ارزیابی سالانه جای خود را به گفت‌وگوهای منظم می‌دهد؛ همان‌طور که مربی با بازیکن خود درباره عملکرد آخرین بازی حرف می‌زند. باز خورد، دیگر تهدید نیست؛ بلکه فرصتی برای رشد است. سازمان، کم‌کم به محیطی تبدیل می‌شود که در آن یادگیری مداوم به عادت تبدیل می‌شود. مدیر از اشتباهات نمی‌هراسد، زیرا می‌داند هر شکست، اطلاعات تازه‌ای درباره ضعف‌های سیستم در اختیارش می‌گذارد. از سوی دیگر، چنین مدیری در مدیریت بحران نیز ناتوان نمی‌ماند. مربی فوتبال بارها تجربه کرده که در نیمه اول بازی، نتیجه برخلاف انتظار است، تیم ناامید شده و فشار تماشاگران سنگین است. اما او می‌داند که چگونه در میان طوفان آرام بماند. او بحران را بخشی از مسیر می‌داند، نه تهدیدی مرگ‌بار. وقتی چنین فردی در رأس یک شرکت قرار می‌گیرد، واکنش او به بحران‌های بازار یا چالش‌های داخلی متفاوت خواهد بود. به جای ترس یا واکنش‌های هیجانی، با آرامش تحلیل می‌کند، روحیه جمعی را حفظ می‌کند و مسیر اصلاح را می‌چیند. در چنین سازمانی، بحران‌ها نه نقطه پایان، بلکه لحظه‌های یادگیری جمعی‌اند. از مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت چنین رهبری، چابکی در تصمیم‌گیری است. مربیان عادت دارند تصمیمات تاکتیکی سریع بگیرند. آنها به داده، شهود و تجربه هم‌زمان تکیه می‌کنند. وقتی در سازمانی با ساختار پیچیده و کند قرار می‌گیرند، این روحیه باعث تزریق سرعت، ریسک‌پذیری و جسارت در تصمیم‌ها می‌شود. اما این ویژگی، اگر کنترل نشود، می‌تواند به نقطه ضعف نیز تبدیل گردد. زیرا تصمیم‌های سازمانی برخلاف تصمیم‌های فوتبالی، اثرات بلندمدت دارند و گاهی نیازمند تحلیل‌های گسترده مالی و بازار هستند. بنابراین، چنین مدیرانی باید بیاموزند که شور و هیجان را با تفکر استراتژیک ترکیب کنند. همان‌طور که یک تیم برای فصل بعد برنامه‌ریزی می‌کند، سازمان نیز باید برای سال‌های آینده چشم‌انداز داشته باشد.



محمد رضا نصرالله زاده
mrn_barzi@yahoo.com

اگر یک مربی فوتبال، مدیرعامل سازمانی شود چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. در نگاه نخست، دنیای فوتبال و دنیای مدیریت سازمانی، دو جهان کاملاً متفاوت به نظر می‌رسند؛ یکی پر از هیجان، رقابت لحظه‌ای، تصمیم‌های سریع و احساسات جمعی است، و دیگری متکی بر استراتژی‌های بلندمدت، سیاست‌های ساختاری و منطق اقتصادی است. اما اگر روزی یک مربی فوتبال جای مدیرعامل یک شرکت را بگیرد چه می‌شود؟ آیا سازمان به زمین تمرین تبدیل می‌شود؟

مربی فوتبال در ذات خود یک رهبر میدانی است. او انسان‌ها را می‌شناسد، نقاط قوت و ضعف‌شان را لمس می‌کند و می‌داند چگونه از انرژی جمعی تیم برای رسیدن به هدف استفاده کند. او یاد گرفته است که موفقیت، نتیجه هماهنگی، انضباط و روح مشترک است نه صرفاً استعداد فردی. بنابراین وقتی چنین فردی در رأس یک سازمان قرار گیرد، نخستین تغییری که رخ می‌دهد، تغییر در فرهنگ سازمانی است. فرهنگی که از رقابت به رقابت سازنده تبدیل می‌شود؛ از ترس از شکست، به میل به یادگیری از شکست‌ها تغییر جهت می‌دهد؛ و از ساختارهای خشک اداری، به ساختارهایی زنده و پویا می‌رسد. چنین مدیری، برخلاف بسیاری از مدیران سنتی، سازمان را همچون یک تیم زنده می‌بیند نه مجموعه‌ای از بخش‌ها و نمودارها. او باور دارد که هر فرد نقشی دارد؛ درست مانند یک بازیکن در زمین. در نگاه او، موفقیت سازمان حاصل هماهنگی نقش‌هاست نه درخشش فردی. در نتیجه، در چنین سازمانی روح تیمی جایگزین فردگرایی می‌شود. جلسات کاری شبیه گفت‌وگوهای تاکتیکی خواهند شد، نه مناظرات خشک. هر پروژه مانند مسابقه‌ای تلقی می‌شود که همه باید در آن بدرخشند و هیچ‌کس تماشاگر باقی نماند. ویژگی دیگر چنین مدیرانی، توانایی بالای آنها در انگیزش انسانی است. مربی فوتبال می‌داند که انگیزه از درون انسان زاده می‌شود نه از پاداش بیرونی. او بلد است چگونه انرژی پنهان در افراد را آزاد کند، چطور شکست را به فرصتی برای بازسازی روحیه بدل سازد، و چگونه حس تعلق را در میان افراد تقویت کند. در یک سازمان با چنین رهبری، کارمندان حس می‌کنند عضوی از تیمی زنده‌اند نه مهره‌ای در یک ماشین اداری. آن‌ها صبح‌ها به محل کار می‌آیند نه برای

خوب است که از زینب کبری بنویسم
از حضرت صدیقه صغری بنویسم
تا نقش ببندد به دلم نام عقیده
از آمدن دختر زهرا بنویسم
از حال و هوای قدم تازه رسیده
از پشت در و جمع گداها بنویسم
با کسب اجازه بنویسم خود زهرا
یا روی زمین شاخه طوبی بنویسم
وقتی شده چون فاطمه سر تا قدم او
شاید بشود ام ابیها بنویسم
تنها نه فقط چشم مدینه شده روشن
از روشنی چشم دو دنیا بنویسم
من منتظرم حضرت جبریل بیاید
یک اسم پر از عطر و سُما بنویسم



ماهنامه اجتماعی و ورزشی
وقت طلایی



ماهنامه اجتماعی، ورزشی وقت طلایی

- آبان ماه ۱۴۰۴
- سال: ششم
- شماره ۶۷
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمد رضا نصرالله زاده
- سردبیر
سارا نصرالله زاده
- دبیر تحریریه
محمد هادی صادقی
- زیر نظر شورای نویسندگان
- چاپ: ایران کهن
- صندوق پستی: ۳۵۱۷-۱۵۸۷۵
- خیابان سهروردی جنوبی، کوچه دبیر،
پلاک ۶، طبقه اول تلفن: ۰۲۱۷۷۵۳۵۵۸۸
- سازمان آگهی‌ها
۰۹۳۳۵۳۰۳۶۶۳
- ایمیل
mrn_barzi@yahoo.com
- اینستاگرام: @ ۹۸ goldentime



نگاهی به بازیهای تیم ملی فوتبال ایران در تورنمنت چهار جانبه العین امارات

هنوز خیلی جای کار داریم!



سعید نصرالله زاده

ایران ۰ (۵) - کیپورد ۰ (۴)
بازی سخت با کیپ ورد
تورنمنت چهار جانبه العین امارات
پنجشنبه ۲۲ آبان ماه ۱۴۰۴
ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه
ورزشگاه: هزاع بن زاید
داور: سعید محمد

کمک‌ها: احمد الرشیدی و راشد عبدالله

تیم ملی ایران

علیرضا بیرانوند، سید مجید حسینی، شجاع خلیل‌زاده، دانیال اسماعیلی‌فر (۵۵)، صالح حمدانی، علی نعمتی (۷۱ میلاد محمدی)، سعید عزت‌اللهی، محمد قربانی (۵۵)، امید نورافکن، سامان قدوس (۸۰ علی علیپور)، محمد محبی، امیرحسین حسین‌زاده (۵۵)، مهدی هاشم‌نژاد و مهدی طارمی.

سرمری: امیرقلعه‌نویی

تیم ملی کیپورد

ژوزیمار دیاس (وزینیا)، یانیک تاواریس (استوپیرا)، ادیلسون بورژس (دینی)، واگنر پینا، سیدنی لوپس کابرال (۸۰ ژاؤو پائولو فرناندس) دروی دوارته (۸۵ داوید موریرا)، کوین پینا، ژامیرو مونتیرو (۶۰ تلمو آرکانژو) دایلون لیورامنتو (۶۰ لاروس دوارته)، رایان مندس (۶۰ گری رودریگز) و ویلی سمِدو سرمری: پدرو بریتو (بوئیستا)

ضربات پنالتی

ایران ۰ - کیپورد ۱: گری رودریگز که حضور تعویضی در بازی داشت، پنالتی اول را برخلاف جهت بیرانوند به سمت چپ خود زد و تبدیل به گل کرد.

ایران ۱ - کیپورد ۱: امید نورافکن، بازیکن

تعویضی ایران با شوت محکم گلزنی کرد و علی‌رغم اینکه وزینیا به سمت راست شیرجه زد و نوک انگشتانش به توپ برخورد داشت، اما توپ به تور چسبید.

ایران ۱ - کیپورد ۲: دینی هم بیرانوند که سمت راست را شیرجه رفته بود، فریب داد و با شوت دیدنی به کنج دروازه گلزنی کرد.

ایران ۲ - کیپورد ۲: علی علیپور برخلاف جهت وزینیا با شوت زمینی به سمت چپ پنالتی دوم را تبدیل به گل

کرد.

ایران ۲ - کیپورد ۳: داوید موریرا به راحتی و خلاف جهت بیرانوند توپ را به سمت چپ زد و دوباره تیمش را پیش انداخت.

ایران ۳ - کیپورد ۳: محمد محبی هم با ضربه عالی و زمینی به سمت راست و فریب وزینیا مجدداً کار را به تساوی کشید.

ایران ۳ - کیپورد ۳: لاروس دوارته تعویضی پنالتی چهارم تیمش را خراب کرد و بیرانوند با شیرجه به سمت راست توپ را مهار کرد تا شانس به ایران رو کند.

ایران ۴ - کیپورد ۳: سعید عزت‌اللهی ایران را پیش انداخت و پنالتی چهارم را با شوت مطمئن و خلاف جهت گلر حریف به سمت راست زد و تبدیل به گل کرد.

ایران ۴ - کیپورد ۴: باوجود اینکه بیرانوند به سمت چپ خود شیرجه رفته و تشخیص درستی داد، اما شوت زمینی تلمو آرکانژو از زیر دستان گلر ایران رد شد و به تور چسبید.

ایران ۵ - کیپورد ۴: پنجمین و آخرین پنالتی را مهدی طارمی برخلاف جهت وزینیا به سمت چپ زد تا تیم ملی به فینال تورنمنت العین راه پیدا کند.

اخطار: شجاع خلیل‌زاده (ایران) واگنر پینا (کیپ ورد)

لحظات حساس:

دقیقه ۱۷: بالاخره یکی از دروازه‌ها تهدید شد، اما موقعیت خطرناک ایران روی حرکت محبی از سمت راست و شوت زمینی او را وزینیا در اختیار گرفت.

دقیقه ۲۸: پرتاب اوت بلند علی نعمتی مقابل تیرک اول قطع و منجر به اولین کرنر بازی شد.

دقیقه ۲۹: ارسال زیبای سامان قدوس از کرنر سمت چپ زمین به محوطه ۶ قدم را سعید عزت‌اللهی با ضربه سر زد، اما وزینیا توپ را از روی خط بیرون کشید و واکنش

نجات‌بخشی داشت، اما در ادامه شجاع خلیل‌زاده نتوانست گلزنی کند و ضربه او از بالای دروازه راهی اوت شد.

دقیقه ۲۲: وزینیا با خروج به موقع اجازه نداد ارسال سامان قدوس را مهاجمان ایران تبدیل به گل کنند.

دقیقه ۳۶: توپ برگشتی از ضربه ایستگاهی اعلام شده برای کیپ ورد توسط نعمتی را رایان مندس پشت محوطه جریمه گرفت که شوت روی پای او با فاصله زیادی از دروازه ایران به بیرون رفت.

دقیقه ۳۹: محبی بازم به فرار سریع از سمت راست محوطه جریمه خطرناک ظاهر شد که ارسال کوتاه او را دینی به بهترین شکل دفع کرد و در ادامه هم دفع توپ از مقابل پای قربانی کاری کرد تا حمله ایران به نتیجه نرسد.

دقیقه ۴۵: خطایی که مجید حسینی پشت محوطه جریمه روی رایان مندس مرتکب شده بود را ژامیرو مونتیرو با شوت فنی زد که توپ با اختلاف کم از روی دروازه ایران راهی اوت شد.

دقیقه ۴۸: پاس محمد محبی با ضربه سر و شوت روی پای والی و دیدنی مهدی طارمی را وزینیا در اختیار گرفت تا شوت در چارچوب کاپیتان ایران تبدیل به گل نشود.

دقیقه ۵۲: ویلی سمِدو به شکل عجیبی موقعیت عالی کیپورد روی ارسال واگنر پینا را از دست داد و شوت او در مقابل محوطه ۶ قدم به آسمان زده شد.

دقیقه ۵۷: شوت پای چپ لوپس کابرال از راه دور و ضربه ایستگاهی را بیرانوند بدون دردسر مهار کرد.

دقیقه ۵۹: پاس بلند محمد محبی از میانه زمین با اشتباه دینی نزدیک بود ایران را به گل برساند، اما در شرایطی که مهدی طارمی پشت به دروازه و در برخورد با گلر حریف روی

زمین افتاد ولی دوباره از جای خود بلند شد و در شرایط خوبی توپ را به سعید عزت‌اللهی رساند، اما شوت او را دینی به خوبی با ضربه سر از روی خط دروازه کیپورد برگشت داد تا نتیجه بدون گل بماند.

دقیقه ۶۳: شوت پشت محوطه گری رودریگز بی‌دقت بود و با فاصله زیادی از دروازه ایران به بیرون رفت.

دقیقه ۶۸: گری رودریگز پس از ورود به زمین دومین بار اقدام به شوت‌زنی کرد که این بار ضربه پر قدرت او پس از برخورد به سر مجید حسینی به بیرون رفت.

دقیقه ۷۴: پاس بلند شجاع و ضربه سر مهدی طارمی به پشت مدافعان کیپورد موقعیت نسبتاً خطرناکی ساخت، اما ضربه سر میلاد محمدی پیش‌داخته را وزینیا در اختیار گرفت.

دقیقه ۸۶: ارسال زیبای علی علیپور از سمت راست زمین به مقابل تیرک دوم و ضربه سر مهدی هاشم‌نژاد را وزینیا با شیرجه بلند مهار کرد تا ایران همچنان در گلزنی ناکام بماند.

دقیقه ۸۸: ضربه ایستگاهی لاروس دوارته دقت لازم را نداشت و پس از برخورد به دیوار دفاعی بازیکنان ایران دفع شد.

دقیقه ۸۹: هاشم‌نژاد در محوطه جریمه کیپورد نقش بر زمین شد، اما داور اعتقادی به اعلام خطا نداشت.

دقیقه ۹۰+۳: ارسال توپ از کرنر و ضربه سر شجاع تبدیل به گل نشد تا داور سوت پایان بازی را بزند و با توجه به قوانین تورنمنت العین، این مسابقه مستقیم به ضربات پنالتی برود.

حاشیه:

قضاوت داوران کم تجربه اماراتی و عدم استفاده از وی‌آر در این بازی یکی از نکات بحث‌برانگیز است.

بازی در دقیقه ۸ به دلیل مصدومیت ژامیرو مونتیرو در برخورد با دو بازیکن ایران برای لحظاتی متوقف شد.

در دقیقه ۲۶ ژامیرو مونتیرو پشت پای طارمی را لگد کرد، اما خطر جدی مهاجم تیم ملی ایران را تهدید نکرد.

سعید عزت در دقیقه ۳۲ به دلیل مصدومیت از ناحیه سر به دلیل برخورد با مجید حسینی برای لحظاتی به بیرون رفت و برگشت.

در دقیقه ۷۳ عدم اعلام خطای پنالتی محبی روی گری رودریگز با اعتراض بازیکنان کیپورد همراه بود.



گزارش بازی

تیم ملی فوتبال ایران در نخستین دیدار خود در چهارچوب رقابت‌های العین امارات، به دیدار تیم کبک ورد رفت و در ضربات پنالتی موفق شد این تیم را با نتیجه ۵ بر ۴ شکست داده و به فینال بازپیا راه یابد.

تیم ملی فوتبال ایران، در دیدار با کبک ورد باز آن تیمی نشان نداد که علاقمندان به فوتبال در ایران، انتظار آن را می‌کشند. تیمی که با این شکل و شمایل بدون شک در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا، کانادا و مکزیک با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد که باید در فرصت باقی مانده فکری برای آن شود.

تیم امیر قلعه نویی در دیدار با کبک ورد، اگرچه چند فرصت خوب گل زنی را به دست آورد، اما در مجموع باز یک تیم بی‌برنامه و بی تاکتیک نشان داد. تیمی که اگرچه نسبت به گذشته،

ایران ۰ (۳) - ازبکستان ۰ (۴)

تیم ملی برای تیم شدن کار زیاد دارد تورنمنت چهار جانبه العین امارات فینال سه‌شنبه: ۲۷/۸/۱۴۰۴ ساعت ۱۹ و ۳۰

دقیقه - ورزشگاه: هزاع بن زاید

داور: عادل النقبی (امارات)

کمک‌ها: ثابت عبید و سعید المرزوقی

تیم ملی ایران

علیرضا بیرانوند، سید مجید حسینی، شجاع خلیل‌زاده، صالح حردانی (۸۸- دانیال اسماعیلی‌فر)، میلاد محمدی، سعید عزت‌اللهی (۱۰- محمد قربانی)، سامان قدوس (۸۱- محمد مهدی محبی)، مهدی هاشم‌نژاد (۴۶- امید نورافکن)، امیر حسین حسین‌زاده (۸۱- علیرضا کوشکی)، مهدی طارمی و علی علیپور.

سر مربی: امیر قلعه‌نویی

تیم ملی ازبکستان

عبدوالخید نعمت‌اف، عبدالقادر خوسانوف، فرخ سایفی‌یف (۸۹- رستم آشورماتوف)، عبدالله عبداللہاف، اوتابک شوکوروف (۷۹- اکمل موزگویی)، عادل جان خامرویکوف، عزیزجان گانی‌یف (۶۴- جمشید اسکندروف)، شُرژد نصراللهاف، حسن‌الدین علیکولوف، اوستون اورونوف (۶۴- خوجیمات ارکینوف) و الدور شومورودوف.

سر مربی: فایو کاناوارو

ضربات پنالتی

ایران ۱ - ازبکستان ۰

امید نورافکن مثل دیدار با کبک‌ورد اولین پنالتی‌زن تیم ملی بود که ضربه محکم او در شرایطی که عبدالخید نعمت‌اف به سمت چپ شیرجه رفته و تشخیص درستی داشت، پس از برخورد به دستان او تبدیل به گل شد.

ایران ۱ - ازبکستان ۱

اولین پنالتی ازبکستان را الدور شومورودوف برخلاف جهت بیرانوند به سمت چپ خود زد و به گوشه دروازه فرستاد.

ایران ۲ - ازبکستان ۱

در شرایطی که نعمت‌اف به سمت چپ شیرجه رفته بود، محمد قربانی توپ را به مرکز دروازه زد و تبدیل به گل کرد.

ایران ۲ - ازبکستان ۱

پنالتی دوم ازبکستان را اسکندروف به مرکز

دروازه زد که بیرانوند توپ را مهار کرد.

ایران ۲ - ازبکستان ۱

محبی سومین پنالتی‌زن ایران بود که شوت او به سمت چپ را دروازه‌بان ازبکستان مهار کرد.

ایران ۲ - ازبکستان ۲

عبدالله پنالتی خود را تبدیل به گل کرد تا کار به تساوی کشیده شود.

ایران ۳ - ازبکستان ۲

شوت مجید حسینی به مرکز دروازه و در شرایطی که نعمت‌اف به سمت راست رفته بود، تبدیل به گل شد.

ایران ۳ - ازبکستان ۳ : شوت محکم آشورماتوف به سمت چپ و در شرایطی که بیرانوند هم تشخیص درستی داشت، به تور چسبید

ایران ۳ - ازبکستان ۳

مکت و تعلل میلاد محمدی در زمان زدن پنالتی و شوت زمینی کم قدرت او را نعمت‌اف با شیرجه به سمت چپ مهار کرد.

ایران ۳ - ازبکستان ۴

اکمل موزگویی، بازیکن تعویضی ازبکستان خلاف جهت بیرانوند که سمت چپ را نشانه رفته بود، توپ را با شوت زمینی تبدیل به گل کرد.

اخطار: فرخ سایفی‌یف (ازبکستان)

اخراج: عبدالقادر خوسانوف (ازبکستان)

لحظات حساس

دقیقه ۱۷: تعلل و دفع اشتباه صالح حردانی نزدیک بود دروازه تیم ملی ایران را باز کند که شوت ناگهانی الدور شومورودوف با روی پا را علیرضا بیرانوند به زیبایی برگشت داد و در ادامه هم دفع شجاع با سر را ازبک‌ها دوباره تصاحب کردند که این بار ضربه محکم خامرویکوف پس از برخورد به مجید حسینی دور شد.

دقیقه ۱۸: نزدیک بود عزیزجان گانی‌یف روی پاس شومورودوف گلزنی کند که ضربه بی‌دقت او در موقعیت عالی، تبدیل به گل نشد و با فاصله زیادی به بیرون رفت.

دقیقه ۲۰: اورونوف در محوطه جریمه ایران در برخورد با هاشم‌نژاد نقش بر زمین شد که داور اماراتی اعتقادی به اعلام خطا نداشت.

دقیقه ۲۶: ازبک‌ها آماده خوشحالی گل روی پاس در عمق استثنایی خامرویکوف و فرار عالی شوکوروف از بین مدافعان ایران

شرایط دفاعی آن تا حدودی بهتر شده بود اما در عوض در خط حمله آن قدرت همیشگی را نداشت و این می‌تواند نگران‌کننده باشد. نگران‌کننده از این بابت که هنوز ترکیب خط حمله تیم ملی فوتبال ایران بدرستی مشخص نیست، هرچند که شاید پس از بازگشت سردار آزمون دوباره شرایط مهدی طارمی هم بهتر از امروز شده و دوباره قدرت خط حمله تیم ملی فوتبال ایران مضاعف گردد. هرچند که در خط دفاع نیز، هنوز کار زیاد داریم و شرایط سنی شجاع خلیل‌زاده و ... به گونه ای است که می‌تواند در مقابل خط حمله تیم‌های جوان جام جهانی با مشکلات بسیاری روبرو شود. با توجه به فرصت چند ماهه باقی مانده تا آغاز رقابت‌های جام جهانی، اگرچه فرصت پوست اندازی در تیم ملی فوتبال ایران وجود ندارد اما می‌شود با همین ترکیب نیز به گونه‌ای عمل کرد که شرایط برای تیم ملی، بهتر از امروز شود

ازبکستان دور شد.

دقیقه ۸۵: علیرضا کوشکی بلافاصله پس از ورود به زمین خط دفاعی ازبکستان را به هم ریخت و پس از دریل سه بازیکن حریف، پاس در عرض به مقابل دروازه خالی داد که هیچ مهاجمی نتوانست از آن استفاده کند و در ادامه نیز پاس نورافکن و شوت محکم صالح حردانی به سمت چارچوب را مدافعان ازبک به بهترین شکل دفع کردند تا دروازه‌شان بسته بماند.

دقیقه ۹۰+۲: فرار کوشکی و ارسال کوتاه او را آشورماتوف، هم‌باشگاهی او در استقلال به اوت دفع کرد.

حاشیه:

تماشاگران استقبال بهتری از این مسابقه نسبت به بازی گذشته تیم ملی ایران داشتند.

محمد محبی به دلیل آسیب دیدگی از فهرست ایران مقابل ازبکستان خط خورد.

نام سید حسین حسینی و محمد عمری در لیست نفرات تیم ملی در این دیدار دیده نمی‌شود.

اعتراض شدید قلعه‌نویی به داور به‌خاطر عدم اعلام خطا در میانه زمین روی مهدی هاشم‌نژاد در دقیقه ۶، با تذکر جدی به سر مربی تیم ملی همراه شد.

سعید عزت‌اللهی در دقیقه ۸ به دلیل مصدومیت روی زمین نشست و نتوانست به بازی ادامه دهد تا تعویض اجباری در شروع مسابقه با ازبکستان باشد.

با توجه به مصدومیت عزت‌اللهی از روی نیمکت بلند شد و پس از گرم کردن سریع با علی‌اصغر قربانعلی‌پور، مربی تیم ملی خیلی زود به زمین رفت.

قلعه‌نویی و کاناوارو قبل از شروع بازی بگو و بخند زیادی داشتند که برای عکاسان جالب توجه بود.

بهترین بازیکن

عبدوالخید نعمت‌اف، دروازه‌بان تیم ملی ازبکستان در هر دو نیمه با واکنش‌های دیدنی و خروج‌های به موقع اجازه نداد بازیکنان ایران موفق کار کنند و به گل برسند و در ضربات پنالتی هم که تیمش عقب افتاده بود، دو ضربه محمد مهدی محبی و میلاد محمدی را گرفت تا قهرمان این تورنمنت شوند.

پرواز آسمانی انسان بزرگی که با کارش حرف می‌زد وصال عزیز حالا چه وقت رفتن بود!

روحانی بر روی آنها مطالب ارزشمندی نوشته می‌شد. کمتر حرف می‌زد. کمتر وقتش را صرف اموراتی مانند گفت و شنود و از این حرف‌ها می‌کرد. او فقط می‌نوشت و می‌نوشت، و بدون شک هفته نامه دنیای ورزش دهه های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ... مدیون تلاش ها و نوشته های اوست.

وصال روحانی به دلیل خصایص انسانی بالایی که داشت، برای اهالی ورزش و رسانه به آن اندازه عزیز و دوست داشتنی بود که با رفتنش همه را در بهت و اندوه قرار دهد. انسان بزرگی که بدون شک دنیای رسانه های ورزشی دیگر نظیرش را به خود نخواهد دید.

پایگاه خبری وقت اضافه و ماهنامه وقت طلایی این ضایعه جانکاه و بزرگ را به جامعه ورزش و جامعه رسانه ای کشور تسلیت می گوید. روح در آرامش مرد بزرگ و مهربان و جایگاه ابدیت بهش



دهه ۶۰ بود که در تحریریه دنیای ورزش موفق به آشنایی و دیدار با وصال روحانی شدم. انسانی باوقار، مهربان، متواضع، دوست داشتنی، نخبه و ... که با کارهای بزرگی که انجام می‌داد، با دیگران حرف می‌زد. او یک انسان به تمام معنا بود. انسانی که متواضعانه، و بی منت دانش و تجربه اش را به دیگران می‌بخشید. تا جایی که با افتخار و بدون اغراق باید گفت که بسیاری از ورزشی نویسان امروز، مدیون بذل و بخشش های او در امر آموزش هستند. وصال روحانی در دنیای ورزشی نویسی، یک نخبه به تمام معنا بود که نظیرش را عالم رسانه های ورزشی کمتر به خود دیده است. او الگوی کار و تلاش بود. در آن دوران که از دنیای مجازی خبری نبود، روی میز چوبی قهوه ای رنگ کارش پر از کاغذهایی بود که به وسیله وصال

جعفر صمیمی

بودای بی آزار واژه ها

آرام بشتاب!

زد و پا می‌گرفت، هیچکس به گرد پایش نمی‌رسید. بودایی بود در حرفه و رفتار و کردارش. آرام و صبور و متین و فروتن. بی نیاز و مهربان و رؤف و پرکار. وصال، پدیده حیرت آوری بود. با هر که ذره ای معرفت و مرام داشت دوست بود و در دوستی مانند تنه درخت قطور و تنومندی بود و تکیه گاهی محکم و امن. درختی تنومند و پر بار با شاخه هایی از خوبی، زیبایی، نجابت و انسانیت.

ترجمه و نوشتن معشوقه هایش بودند و هیچ چیز و هیچکس نمی توانست جلودار عاشقی های او باشد. یک بار نوشته های وصال را به جان اسمیت آمریکایی قهرمان جهان و المپیک نشان و توضیح دادم. داشت از تعجب شاخ در می آورد. آنچه وصال در باره او نوشته بود حیرت زده اش می کرد و به رسم احترام و ناخودآگاه کلاه شاپوی من را، روی سر غرق بوسه کرد. وصال می درخشید و راه نشان می داد و نمی دانست لحظه به لحظه بر آتش حاسدان و نان به نرخ روز خور ها می دمد. حاسدانی که رنگ عوض کرده و شایعه می کردند، وصال ... است و دنبال بیرون کردن او از میدان بودند، اما، وصال بی تفاوت نسبت به این فندق مغزا، عاشقانه می نوشت و می نوشت. من هم انگار در گوشه سرب ریخته اند. ایستادم و از او حمایت کردم، چون می دانستم چه گوهری در عالم مطبوعات ما در حال درخشش است. زمان گذشت و گذشت و پر و بال حاسدان و مفتریان ریخت و وصال ماند و ماند و همه را به تحسین واداشت.

وصال روحانی مارتا اما خوبی هایش، توانایی هایش، صداقتش، نجابتش، فرهیختگی اش و تعهدش باقی است تا ابد.

ضرب المثالی می گوید: قلبت را به من بده و هر جا خواستی برو. وصال قلبش را به من داده بود. از هم دور بودیم ولی انگار کنار هم هستیم. وقتی خبر پروازش را شنیدم در خود فرو رفتم. پژمردم. سوختم. می گفتند بسیار ضعیف و نحیف شده بود. برادرش می گفت: روزهای آخر درد زیادی می کشید. این بود مزد و پاداش چنین پدیده حیرت آوری؟ پدیده و قهرمانی که شجاعانه نوشت، مبارزه کرد ولی غریبانه رفت. رفت تا جان خسته اش را آزاد کند. پروازی ابدی در آسمان جاودانگی.

قلم!؟ دیگر خون گیری نکن. موتور محرک رفت. تو هم آزادی. همان طور که وصال آزاد شد از این رنج بیکران.

سر احترام و ارادت از آن سوی آب ها بر مزارت فرود می آورم.

چه سبکبال و نرمک و اندک اندک آمد. با تبسمی ساده اما گرم و دلنشین. چون گلی خوش رنگ بر گوشه دهان. قدوم مبارک وصال روحانی را دوست و نویسنده و مترجم و استاد زبان اسپرانتو رضا خیرخواه به مجله دنیای ورزش باز کرد. اوایل دهه ۶۰ بود که آن جوان تر که ای، با آن بینی قلمی

و پنجه های استخوانی بلند، پشت میزی رنگ و رو رفته در گوشه تحریریه و پشت به پنجره، جا خوش کرد. میزی مملو از یادداشت ها و نوشته های بی نقص که حتی جابرای استکان چای هم نداشت. میزی که مثل بازار شام بود.

وصال می نوشت و می نوشت. عاشق نوشتن بود. مثل موتور کار می کرد. زیبا و پرمایه و عمیق و ژرف و سلیس و روان می نوشت. بر خلاف خیلی ها، اهل کیسه کشی و فیتیلیه چرک درست کردن و در یک کلام دلاکی قلم نبود. روشنی ها را به نهانخانه تاریک مقامات ورزش می تاباند و اعتقاد داشت: چاه مافیای عذاب آور ورزش، باید با راستی و درستی پر شود. وصال، حقیقتی انکارناپذیر و روشن در عملکردش بود. نوشته هایش، نهال امید و آرزوهای به ظاهر دست نیافتنی را در وجود نوجوان ها و جوان ها می کاشت. اوایل نامی از خود نمی برد ولی کارهایش، حرف می زد و امضایی از اصالت و شعور داشت. اهل قیل و قال و هیاهو نبود. رودخانه ای زلال و ژرف بود که آرام و پیوسته حرکت می کرد. انتقادهایش سازنده و هدفمند و عاری از تحقیر و استهزا بود. بر خلاف بسیاری، نصف حقیقت را فریاد نمی زد. باور داشت: نصف حقیقت یعنی دروغ محض. و او هیچگاه دروغ نگفت.

وصال و وصال ها در چهار گوشه عالم، در اقلیت اند.

خیلی ها حتی سر پیری پایشان لب سر سره مکتب و شهرت و شوکت لغزید و تا ته چاه مذلت پایین رفتند، اما وصال قرص و محکم ایستاد و هیچگاه نلرزید. هرگز نان به نرخ روز نخورد. نه نانی قرض داد و نه نانی قرض گرفت. کاری سخت که از مردی سخت کوش چون وصال بر می آمد، آنهم در کشوری که ۱۲ رقم آبگوشت بزباش در زورخانه اش بار می گذارند و شب و روز در زورخانه ای متروک و دایر هزاران میل و کباده و سنگ به هوا می رود. آنهم با سرمدمداری مرشدهایی که با صدای دور که و خش دار "دم" می گیرند و ... وصال اما، مرشد راستینی در زورخانه مطبوعات ورزشی ما بود که وقتی "چرخ" می

آقای وصال روحانی

ورزشی نویسی به تو مدیون است



مجید خاتونی

وصال روحانی در گذشت. مرد پرتلاش و بی ادعای ورزشی نویسی آسمانی شد. او در این عرصه فقط کار کرد و عاشقانه نوشت. سال ها و هر روز از اخبار تازه ورزش حکایت کرد و بنا به یک توصیه بسیار حرفه ای و ماندگار از پله هیچ فدراسیونی هم بالا نرفت. او و نوشته هایش، ترجمه هایش را همزمان با کار در کیهان ورزشی در دنیای ورزش خواندیم و لذت بردیم. مدت ها از او بی اطلاع بودیم و همیشه جای خالی او

را در جلسات تقدیر و تشکر و روز خبرنگار حس می کردیم. همان جلساتی که از خیلی های دلیل تجلیل شد. همان محافلی که به جای تقدیر از خبرنگار و ورزشی نویسی واقعی به سراغ هوچی ها رفتند. شأن وصال روحانی ها اجل از این است که منتظر چنین تقدیرهایی باشند. اکنون خبر در گذشت او را در حالی می شنویم که واقعا دلمان سوخت. مرد بی حاشیه عرصه ورزشی نویسی رفت و یاد و خاطره اش تنها در ذهن معدودی از افراد که ارزش کار او را می دانند باقی خواهد ماند.

آقای وصال روحانی ورزشی نویسی در ایران خیلی به شما مدیون است. خبر این بود: وصال روحانی، مترجم، نویسنده و روزنامه نگار حوزه های ورزش و سینما که

نزد ورزشی نویسان به کار بی وقفه و همیشگی مشهور بود، به دلیل عوارض پس از یک عمل جراحی دار فانی را وداع گفته است.

روحانی سالیان طولانی در رسانه های مختلفی از جمله روزنامه های مربوط به موسسه ایران، دنیای ورزش، روزنامه شرق و مجلات سینمایی کار می کرد و از او آثار بسیار زیادی به چاپ رسیده است. آقا وصال که سالیان طولانی و به خصوص در دوره رونق هفته نامه های ورزشی منتشر شده در روزهای شنبه، یک تنه بار تحریریه را به دوش می کشید، با در گذشت خود خانواده و اعضای خانواده مطبوعات ورزشی را داغدار کرد.

روحش شاد و یادش همیشه گرامی باد

وصال پرواز به سوی وصال



احمد میرزاییان

این آمدن ها و رفتن ها، دارای حکمت هایی است که باید آن را باور داشت. این مشیت الهی است که در لحظه، لحظه زندگی باید شاهد از دست دادن عزیزان و نزدیکان خود باشیم. برخی عزتمندانه زندگی می کنند، زرق و برق مسئولیت ها، و رسیدن به منافع مالی لغزشی در اراده آنها ایجاد نمی کند. این افراد کم شمار یاید الگوی جامعه باشند. افرادی که خوب بودند و خوب ماندند و آخر الامر هم پروازشان به سوی وصال رویایی و افتخار آمیز بود.

وصال روحانی، همکار متبحر ما در نویسندگی، ترجمه و روایت وقایع ورزشی دقیقا به دایره المعارفی، حاضر و ناظر شباهت داشت که در دهه شصت ظهور کرد. در آن زمان که دسترسی به منابع محدود بود و برای کسب اطلاعات از رشته های مختلف می بایست به این و در می زدیم. در مجله دنیای ورزش، حضور جوانی خوش ذوق، با نبوغ و هوش و ذکاوتی کم نظیر، همیشه مرجع اطلاعات بود و برای صاحب این قلم که با توصیه بچه محل خوب مان در جوادی و همزمز مادر عملیات والفجر مقدماتی (جعفر خاں مصیمی) تازه پای در عرصه ورزش و رسانه گذاشته بود، دیدن این همه استعداد ذاتی عجیب و در خور تحسین بود!

وصال روحانی در روایتگری و تحلیل وقایع ورزشی کم نظیر بود. او فرهنگ، اخلاق و صفات انسانی و ارزش های ناب را معنا بخشید، بی آنکه متملقانه از این و آن بنویسد. او پرچمدار حریم قلم و تحلیل درست وقایع ورزشی بود. حدود پنجاه سال نوشت و شیوه هایی نوین در پردازش مطالب را ارائه داد.

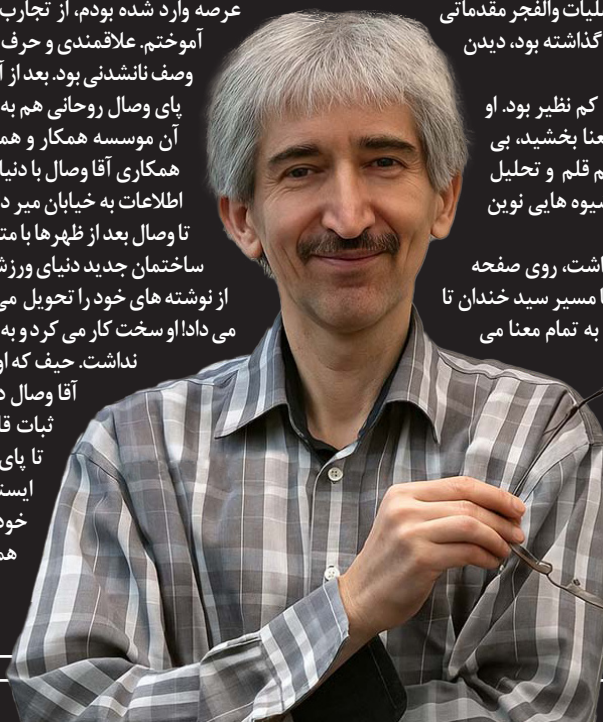
وصال ساده و صادقانه، هر آنچه می دانست و باور داشت، روی صفحه یادداشت های کاهی دنیای ورزش می نگاشت. سالها مسیر سید خندان تا خیابان خیام و دفتر دنیای ورزش را مانند یک عاشق به تمام معنا می پیمود. ابتدای صبح می آمد و انتهای شب می رفت.

او در پرکاری و نوشتن های مطالب متنوع ورزشی زبازند خاص و عام بود. بسیاری از ویژه نامه ها و سفر نامه ها را به نام دیگر همکاران خودش می نوشت که این عمل او حاوی یک دنیا پیام ویژه بود. اینکه در رفاقت و همکاری

باید از خودگذشتگی نشان داد و پای آن ایستاد. مانند برخی ها نبود که وابسته به فدراسیون ها باشد و برای چندرغاز و سفر های خارجی سینه چاک داده و حرمت ها را زیر پا بگذارد. عضو رسمی موسسه اطلاعات نبود و زیر بار استخدام نشریه هم نمی رفت. حق التحریر ناچیز دنیای ورزش را هم با اصرار می پذیرفت. عشق بی پایان او به ورزش و نویسندگی و گمنامی در این حوزه عجیب بود. گویی او از یک جزیره، یا قضا و یا دنیای دیگری گام در عرصه رسانه گذاشته است. من و همکار عزیزم (ودود شریفی) که در دوره کرونا به دیار باقی شتافت، بعد از ظهرها در نشریه حاضر می شدیم. جایی که غالب همکاران بعد از ظهر از موسسه خارج می شدند، اما آقا وصال تا پاسی از شب در دفتر مجله حاضر بود و تازه در خلوت خود فرصت طلایی پیدا می کرد تا به ترجمه و آماده سازی صفحات برای لیات اول و دوم بپردازد. به شدت علاقمند مرور نوشته های وصال بودم. وصال روحانی در قدرت انتقال تجربیات خود به دیگران هم بی نظیر بود. حقیقتا در شیوه نگارش و پردازش جملات و انتخاب تیترو نوع صفحه بندی هم ید طولایی داشت و راهنمای همکاران جوانش در نشریه بود. من که تازه در این عرصه وارد شده بودم، از تجارب وصال روحانی و پرویز زاهدی بسیار

آموختم. علاقمندی و حرف شنوی او از استاد پرویز زاهدی هم وصف نانشدنی بود. بعد از آنکه پرویز خان به موسسه ایران رفت، پای وصال روحانی هم به ایران ورزشی باز شد. این دو سالها در آن موسسه همکار و هم نشین هم بودند. طی همه این سالها همکاری آقا وصال با دنیای ورزش ادامه داشت. انتقال موسسه اطلاعات به خیابان میر داماد و منطقه حقانی فرصت خوبی بود تا وصال بعد از ظهرها با مترو از خیابان شهید بهشتی خود را به ساختمان جدید دنیای ورزش برساند. او در لحظه ورود، یک پاکت از نوشته های خود را تحویل می داد که چهار صفحه نشریه را پوشش می داد! او سخت کار می کرد و به اندازه سر سوزنی هم از کسی انتظاری نداشت. حیف که او رفت و ما را تنها گذاشت.

آقا وصال در قامت یک قلمزن حرفه ای، همواره ثبات قلم داشت. ارزش قلم را می دانست و تا پای جان پای عزم و اراده استوار خود ایستاد. خدایش رحمت کند که به وصال خود رسید و پروازی جاودانه داشت. همواره نام او و یاد او جاودانه خواهد ماند.



فوتبال و مطالبه همیشگی، حق پخش تلویزیونی

دفاع تمام قد دو تن از اهالی فوتبال از موضوع روز آن!



و پرداختن دوباره به موضوع حق پخش همه چیز تمام شده تلقی می‌گردد! حق پخش فوتبال که اهالی آن را حق مسلم خود دانسته و می‌دانند. هوشنگ نصیرزاده حقوقدان فوتبالی و محمد صادق درودگر که سالها در پی دفاع از مطالبات اهالی فوتبال نقش پر رنگی را ایفا کرده اند در خصوص این موضوع مهم، نظراتی را این چنین بیان داشته اند، که فهرست وار در ادامه آمده است:

هر سال و در برهه‌ای از زمانها موضوع حق پخش تلویزیونی بازی‌های لیگ بر سر زبانها می‌افتد و یک خوراک چند هفته‌ای برای رسانه‌ها و اهالی فوتبال به وجود می‌آورد. موضوعی که در نهایت هم هیچ چیز از آن در نمی‌آید! یعنی نه فوتبال توانایی گرفتن حق خودش را از تلویزیون دارد، و نه تلویزیون با بهانه‌هایی که پشت سر هم ردیف می‌کند، عزمی از خود برای پرداخت حق پخش نشان می‌دهد، و در نهایت باز تا سالی دیگر



هوشنگ نصیرزاده

آنها در بازار جهانی بالا می‌رفت و همین مسئله باعث شد تا اتفاقاتی برای آنها بیفتد. همان رقابت‌هایی که کره‌ای‌ها در آن به مقام چهارم رسیدند.

● در دنیای فوتبال هر کشوری که به موفقیتی دست پیدا می‌کند آن موفقیت نشان دهنده توانمندسازی یک ملت به حساب می‌آید.

● دولتمردان باید بدانند که با پول دادن به فوتبال و ورزش به نوعی دارند به مردم سوپسید و خدمت ارائه می‌دهند.

● در بودجه کل کشور کمک کردن به ورزش ممنوع است.

● زور تلویزیون به مراتب از ورزش و فوتبال بیشتر است.

● ورزش و فوتبال توانایی گرفتن حق خود را از تلویزیون ندارند.

● ورزش و فوتبال فاقد مهارت‌های گفتاری برای جا انداختن مفاهیم در خصوص حق پخش تلویزیونی هستند. ● در ورزش و فوتبال روسا باید به حاکمیت بیشتر از ورزش نزدیک باشند.

● نگاه دولتمردان به ورزش و فوتبال باید فرا مرزی باشد.

● به هنگام برگزاری رقابت‌های جام جهانی و از دو هفته قبل از شروع آن تا روز حذف تیم‌ها از مسابقات فیفا ۱۰ هزار دلار در قبال هر بازیکن به باشگاه‌های آنها پرداخت می‌کند.

● در خارج از ایران ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد یک باشگاه از محل پخش تلویزیونی است و به همین دلیل هم عرب‌های متمول علاقه بسیاری برای خرید امتیاز تیم‌های بزرگ اروپایی از خود نشان می‌دهند.

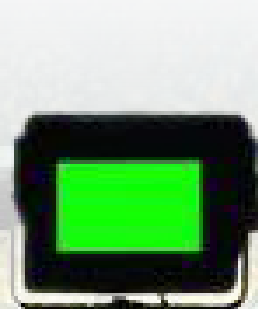
● ما اسم باشگاه‌ها را فرهنگی، ورزشی می‌گذاریم تا به نوعی از پرداخت مالیات معاف شویم، چرا که ما اصلاً بلد نیستیم کار فرهنگی انجام دهیم. ● درآمد تلویزیون برای پخش ۶۰ بازی استقلال و پرسپولیس در لیگ و دو بازی در جام حذفی، در فصل ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هفده هزار میلیارد تومان بوده است که هیچ مبلغی از آن به فوتبال تعلق نگرفته است.

● تلویزیون در پاسخ به آنهایی که در فوتبال به دنبال مطالبات خود هستند می‌گوید: شما باشگاه‌ها از تبلیغات محیطی پول دریافت می‌کنید و ما نباید پولی را به شما پرداخت کنیم! ● خواسته باشگاه‌ها از تلویزیون این است که ۱۵ یا ۲۰ درصد از درآمد تبلیغات خود را که از راه فوتبال به دست می‌آورید به ما بدهید، اما تلویزیونی‌ها می‌گویند ما پولی برای این کار نداریم.

● در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۰۲ کره و ژاپن هر دیداری را که کره‌ای‌ها در آن پیروز می‌شدند، سهم

● چهار منبع درآمدی فوتبال عبارتند از: ۱- بلیط فروشی ۲- فروش محصولات همراه با لوگو ۳- اسپانسرها (حامیان مالی) و ۴- حق پخش تلویزیونی که متأسفانه از سه مورد اول آن چیزی عاید این فوتبال نمی‌شود.

● صدویک قلم کالا، شامل پیراهن، شورت، جوراب، کلاه، سررسید و ... اقلامی هستند که یک باشگاه می‌تواند برای درآمدزایی بیشتر، تولید و آن را به فروش برساند، اما تا زمانی که قانون کپی رایت رعایت نشود این حق برای باشگاه‌ها، درآمد چندانی را به همراه نخواهد داشت.





محمد صادق درودگر

● قرآن می‌گوید هر کسی، هر چه را که تولید می‌کند، درآمدش متعلق به خودش است.

● در خصوص حق پخش، هیچ انفاقی برای باشگاه‌ها و فوتبال نمی‌افتد، چرا که اساساً دوستان آن چیزی را که می‌گویند، آن چیزی نیست که می‌خواهند به آن عمل کنند

● هر کجا که در ورزش و فوتبال به موفقیتی رسیده ایم، آنجا بوده که دولتی عمل نکرده ایم.

● ما باید این حقیقت را بپذیریم که حق پخش متعلق به فوتبال و باشگاه‌های آن است.

● فوتبال و باشگاه‌ها برای گرفتن حق پخش تلویزیونی، دست شان به جایی بند نیست.

● هر کسی حتی رجال بالای سیاسی هم رئیس فدراسیون فوتبال شوند، باز نمی‌توانند حق پخش را از تلویزیون دریافت دارند.

● ورود بانوان به استادیوم‌ها، استقلال فدراسیون فوتبال و موضوع حق پخش تلویزیونی مواردی بودند که

اینفانتینو، رئیس فدراسیون بین‌المللی فوتبال از مسئولان وقت کشور خواستند که تمام و کمال به انجام برسد که کرونا به داد ما رسید و موضوع به نوعی دیگر پیگیری نشد

● تلویزیون برای ساخت سریال ۴۸ قسمتی یوسف که هر قسمت آن هم ۴۰ دقیقه بود، ۲۰ میلیون دلار هزینه کرد که بر اساس آن باید به فوتبال برای پخش ۲۴۰ بازی ۹۰ دقیقه‌ای و ۶۰ بازی جام حذفی، ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پرداخت می‌کرد!

● هر چه ما بیشتر برای گرفتن حق پخش تلویزیونی فوتبال تلاش می‌کنیم، کمتر به نتیجه می‌رسیم.

افکار عمومی، پاسخگویی و روشننگری بیشتر وجود داشت نظرات خود را ارسال تا در شماره آینده وقت طلایی به چاپ برسد.

گفتنی است ماهنامه وقت طلایی در عین بی‌طرفی، این حق را برای مسئولان سازمان صدا و سیما و مدیران ورزش آن قائل است که چنانچه نیازی به تنویر

ماهنامه اجتماعی و ورزشی

وقت طلایی



بهانه‌تراشی قلعه‌نویی، ممنوع



امیر رضا واعظ آشتیانی

صورت گیرد. شش دوره است که به جام جهانی می‌رویم، باید از فدراسیون فوتبال سوال کنیم شما چه اسنادی از گذشته جمع‌آوری کرده‌اید که به عنوان تجربه بخواهید از آن استفاده کنید. اگر تجربه مدیریتی است که نشان می‌دهد در جا زده‌اید، اگر تجربه اقتصادی است که باز در جا زده‌اید، اگر تجربه فرهنگی است که باز می‌بینیم در جا زده‌اید. چه تجربه‌ای به دست آورده‌اید که هر دفعه به جام جهانی می‌رویم و برمی‌گردیم و داشته‌هایمان را هم از دست می‌دهیم. ضمن اینکه نه تنها موضوعی به تجربیات مان اضافه نمی‌شود بلکه آنچه که داریم را نیز از دست می‌دهیم. نهایتاً منجر به این می‌شود که یک واژه ای را یاد گرفته‌اند که «لما داریم تجربه آموزشی می‌کنیم» این واژه تجربه آموزشی را اگر نداشتند نمی‌دانم برای توجیه رفتار خودشان متوسل به چه کلمه‌ای می‌شدند. به هر جهت وقتی که مدیریت مجموعه فدراسیون فوتبال سنتی باشد، دیگر تیم ملی بهتر از این از آب در نمی‌آید. برخی معتقدند شاید سطح این تیم ملی همین است و سطحی بالاتر از آن ندارد که احیاناً افراد بزرگتر در آن ورود کنند.

مجموعه فنی تیم ملی باید از بهانه‌تراشی پرهیز کنند و واقعیت‌ها را ببینند و بروند به سمت اینکه چالش‌های پیش‌رو را خیلی منصفانه و عالمانه برطرف کنند که به یکباره به جام جهانی) همانند دور قبل که با آقای کی‌روش رفتیم و متأسفانه از انگلیس شش گل خوردیم) نرویم. باید طوری آماده باشیم که این اتفاقات تکرار نشود. ضمن اینکه همواره گفته می‌شود که بازیکنان در این مسابقات تجربه به دست بیاورند، این جمله اشتباه است چرا که اصلاً سطح بین‌المللی سطح تجربه آموزشی نیست، بعضی‌ها هنوز معنی تجربه آموزشی را نمی‌دانند چیست. اینکه در هر مسابقه ای ورود کنیم و بازنده یا برنده شویم و ادعا کنیم که ما داریم تجربه به دست می‌آوریم اشتباه است چرا که این طیف می‌رود و طیف بعدی می‌آید و اونیز می‌خواهد تجربه به دست آورد. اسم این را تجربه آموزشی نمی‌گذارند، مدل تجربه آموزشی فرق می‌کند منتها برخی‌ها در یک فضای فکری قرار دارند که فکر می‌کنند در هر مقطعی یک گروهی بیایند تجربه آموزشی کنند فارغ از اینکه این گروه بعد از مدتی عبور می‌کند و گروه و نسل بعد می‌آید. باید تجربه آموزشی در مدیریت کار

پاسخ عملکرد تیم ملی را مجموعه فنی و فدراسیون فوتبال باید بدهند. صاحب نظران و کارشناسان باید نظر بدهند و نقدی اگر هست نقدی بکنند و اگر پیشنهادی دارند ارائه دهند. ولی واقعیت امر این است که ما به جام جهانی می‌رویم و در جام جهانی باید خیلی با برنامه‌تر از وضع موجود باشیم. اینکه گفته شود که این بُرد و باخت‌ها اهمیت ندارد، اشتباه است و چنانچه بُرد و باخت اهمیت نداشته پس برای چه رفته‌ایم و بازی کرده‌ایم. بازی می‌کنیم تا هم نقاط ضعف شناسایی شود و هم نقاط قوت مورد حمایت قرار گیرند و این جمله‌ای که این بُرد و باخت‌ها اهمیت ندارد به نظر من منطقی ندارد. اتفاقاً باید همه بازی‌های تدارکاتی یک نوع تمرین کردن و ایجاد آمادگی برای حضور در صحنه‌های بزرگتر است. در هر صورت چه از سوی منتقدین و چه از سوی



فرار رو به جلو به سبک کاپیتان

آقای طارمی! آدرس «بالا» اینجاست!



محمد جواد قبادی

تجربه و اتفاقات چند سال اخیر نشان داده، مهدی طارمی عملاً بخشی از یک شبکه اثرگذار است؛ شبکه‌ای که می‌تواند تصمیم‌های ورزشی، رسانه‌ای و حتی مدیریتی را جهت دهد.

اظهارات جنجالی مهدی طارمی پس از بازی تیم ملی مقابل ازبکستان و پخش تصاویر تعجب‌سرمربی تیم ملی از تغییر پالتی زن تیم با تصمیم بازیکن (طارمی) بار دیگر بحث دیرینه «نفوذ بازیکنان در ساختار فوتبال ایران» را زنده کرد؛ مسئله‌ای که سال‌هاست از آن سخن گفته می‌شود اما کمتر کسی حاضر است مسئولیتش را بپذیرد.

تصاویر و اظهارات پس از بازی ایران و ازبکستان، دوباره نشان داد که ماجرا فراتر از یک اختلاف ساده یا انتقاد معمول نسبت به عملکرد یک بازیکن است. مهدی طارمی همانند برخی از فوتبالیست‌ها، سال‌هاست در نقطه‌ای از فوتبال ایران ایستاده که نه تنها نقش او تنها به «بازیکن بودن» خلاصه نمی‌شود بلکه در وضعیت ویژه‌ای قرار دارد؛ در نقطه‌ای میان فوتبال، سیاست، اقتصاد و حتی رسانه!

قدرتی که انکار می‌شود، اما شواهدش روشن است ۳-۲ سال است که از بالا فوتبال را خراب کرده‌اند. این جمله را مهدی طارمی پس از شکست تیم ملی در فینال تورنمنت چهار جانبه‌العین به زبان آورد؛ اظهارنظری که به نظر، یک فرار رو به جلو باشد. وقتی خود طارمی اذعان دارد که تیم ملی خوب نبوده که در ۹۰ دقیقه نتوانسته ازبکستان ۱۰ نفره را برود، یعنی عملکرد تیم از نظر فنی خوب نبوده است مثل چند ماه و چند بازی اخیر تیم ملی!

وقتی تیم در دو بازی و در ۱۸۰ دقیقه گل نمی‌زند یعنی از نظر فنی مشکل داشته ایم که موفق به گلزنی مقابل دو تیم که از نظر رنکینگ پایین‌تر از ایران قرار دارند نشده ایم. حالا آقای قلعه نویی بیايد بگوید به اهدافمان (مشخصاً گل نخورده) رسیده ایم که اگر این اهداف مقابل تیم‌های قوی‌تر از ایران اتفاق می‌افتاد قطعاً قابل تحسین بود.

جایی که طارمی بهره می‌برد، اما انتقاد را پس می‌زند

اما به آقای طارمی باید مواردی را یادآوری کرد که شاید آن «بالا»یی که از آن انتقاد می‌کند و مانع رشد فوتبال می‌داند را بیشتر بشناسد؛

- بالا همان جایی است که پس از عملکرد ضعیف در جام جهانی و حذف از جام ملت‌های آسیا به شما حواله خودرو دادند اما آن موقع بالا بد نبود!
- بالا همان جایی هست که به استناد رسانه‌ها، در آنجا

برخی ملی پوشان با لابی، زیرآب اسکوچیچ را چند ماه قبل از جام جهانی زدند و کی‌روش را آوردند و چه بسا اگر همان بالا روی خوش نشان بدهد این کار تکرار شود!

● بالا همان جایی است که خیلی از ملی پوشان فوتبال با کمک آن بدون اینکه سر بازی رفته باشند از کشور خارج می‌شوند و برمی‌گردند و کسی هم به آنها کاری ندارد!

● بالا همان جایی هست که بالاترین مقام اجرایی کشور به تمرین شما می‌آید و با بگو بخند با شما تمرین و بازی می‌کند و عکس یادگاری می‌اندازد ولی آن موقع بالا بد نبود و الان بد شده است!

● برای یادآوری «بالا» کمی به عقب تر برگردیم؛ وقتی در پرسپولیس بودید و به ترکیه رفتید، اما وقتی آن جا جنگ شد دوباره برگشتید اما پول جریمه ای را که قرار بود پرداخت کنید را خرج کردید و به باشگاه ترکیه ای پس ندادید و باعث شدید پرسپولیس در حساس ترین زمان ممکن دو پنجره نقل و انتقالی اش بسته شود و نتواند برای فینال آسیا تیم را تقویت کند. اگر دخالت بالا (دولت وقت) نبود باشگاه

ترکیه ای کوتاه نمی‌آمد و تبعات این ماجرا خیلی بیشتر می‌شد. بالای آن موقع را یاد ت نمی‌آید؟!

توهم توطئه بدون مینا

می‌گویی می‌خواهند فوتبال را خراب کنند؟! رشته‌ای که بیشترین حمایت مالی و بالاترین قراردادهای در آن بسته می‌شود بدون هیچ خروجی قابل افتخاری در سطح بین‌المللی را بر چه مبنایی می‌گویید، می‌خواهند خراب کنند؟ امتیازات و حمایت‌هایی که در بالا هم به آن اشاره شد به چه رشته‌ای داده شده است؟

قطعا برخی انتقادهای بازیکنان و کادر فنی و خیلی از کارشناسان فوتبال و رسانه‌ها از مشکلات ساختاری و زیرساختی کاملاً درست و بجاست اما به قول خود شما، وقتی بازیکن تیم ملی در بازی تدارکاتی از زدن پالتی شانه خالی می‌کند و به بهانه انتقاد احتمالی این کار را انجام نمی‌دهد بازهم تقصیر بالاست؟!

زمانی که به گفته منتقدان، حواله خودرو،

قراردادهای تجاری چندمیلیاردی، حضور در تیزرهای تبلیغاتی، تمرین با رئیس‌جمهور یا حتی ورود و خروج بدون محدودیت از کشور وجود دارد، دیگر نمی‌توان باور کرد بازیکن تنها یک عنصر فنی در زمین است.

طارمی عملاً بخشی از یک شبکه اثرگذار است؛ شبکه‌ای که می‌تواند تصمیم‌های ورزشی، رسانه‌ای و حتی مدیریتی را جهت دهد. وقتی بازیکنی در ماجرای تعیین زنده پالتی یا ساختار ترکیب تیم ملی نقش ایفا می‌کند و سرمربی تیم ملی ناچار می‌شود به او تذکر بدهد، دیگر نمی‌توان چنین حضور و نفوذی را تصادفی دانست.

این موضوع خود به خود پرسش بزرگ‌تری را ایجاد می‌کند: "جایگاه فنی بازیکن تا کجاست و جایگاه نفوذ او از کجا شروع می‌شود؟!" بازیکنی که از قدرت بیرونی برای تثبیت جایگاهش استفاده می‌کند، باید مسئولیت آن را هم بپذیرد.

آقای طارمی! مگر تیم ملی سرمربی ندارد که شما در تصمیم‌گیری‌های آن دخالت می‌کنید و پالتی زن را تغییر می‌دهید؟! شما به عنوان بازیکن وظیفه دارید اگر به عنوان پالتی زن انتخاب شدید، پالتی خودتان را بزنید. نمی‌شود که هر وقت بردید و به نفع تان بوده از بالا بد نگویید، اما هر وقت به خاطر عملکرد فنی نتیجه نگیرفتید به جاده خاکی بزنید و از دخالت بالایی‌ها حرف بزنید که کاملاً بی‌ربط است و تنها برداشتی که از آن می‌شود کرد، فرار رو به جلو خواهد بود.



جام جهانی جای ترسوها نیست

شجاعت بخشی از فوتبال است



حسن علی‌رضایی

مسابقات فوتبال چهار جانبه در شهر العین امارات با قهرمانی تیم ازبکستان به پایان رسید و تیم کشورمان عنوان نایب قهرمانی را بدست آورد. این دومین شکست ملی پوشان کشورمان از تیم دگرگون شده ازبکستان، در کمتر از شش ماه بود که خود جای تامل بسیار دارد.

اعتقادمان این است که حضور در جام جهانی مهم و خوب است، اما مهم تر و خوب تر چگونگی حضور در این عرصه جهانی و مهم ورزش می باشد.

رقابت‌های چهار جانبه امارات اگر چه برای کسب آمادگی بیشتر تیم ملی کشورمان بمنظور حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ بود، اما چند نکته را باید مد نظر داشت. در خصوص بحث فنی تیم فوتبال کشورمان، فقط به یک نکته اشاره می کنم که در وقت های قانونی دو بازی موفق به گل زنی نشدیم! حتی حدود ۲۰ دقیقه مقابل ازبکستان ده نفره هم نتوانستیم به گل دست یابیم که جای تحلیل فراوان دارد. اما نکته مهم و قابل توجه را باید از صحبت های مهدی طارمی کاپیتان تیم ملی کشورمان تفسیر کرد. آنجا که بعد از بازی پایانی و شکست در ضربات پنالتی مقابل ازبکستان به نکته ای اشاره کرد که شاید زمان برای برطرف کردن آن دیر باشد.

طارمی در بخشی از مصاحبه خود با انتقاد از برخی بازیکنان که از پنالتی زدن مقابل ازبکستان خودداری کردند، تصریح کرد: بازیکنی که نخواهد جلوی ازبکستان پنالتی بزند، آیا در جام جهانی و جلوی تیم‌های بزرگ‌تر می تواند به ما کمک کند؟ وقتی ده نفر ایستاده ایم و کسی هم پنالتی نمی زند! چه باید گفت؟ ذهنیت بازیکن ما طوری است که در آن شرایط مقابل ازبکستان نمی خواهد پنالتی بزند. این حرف کاپیتان تیم ملی کشورمان یعنی اینکه بازیکنان ما هنوز به آمادگی حداقلی روحی، روانی و ذهنی حضور در جام جهانی نرسیده اند. فوتبال صرفا تکنیک و تاکتیک نیست و بخش مهم آن کارهای روانشناسی و آمادگی ذهنی

بازیکنان است. اینکه از میان ده بازیکن، پنج نفر آماده زدن پنالتی نیستند یعنی چه؟ مگر در مسابقه پایانی جام جهانی هستید که به خودتان چنین جسارتی را نمی دهید؟ که البته آنجا هم باید جسارتش را داشته باشید. اصولا پنالتی زنان را سرمربی با مشورت دستیاران خود انتخاب می کند، چرا بازیکن باید از این انتخاب سرباز زند؟ و یا کاپیتان تیم پنالتی زن را تغییر دهد؟! وجود یک روانشناس متخصص ورزشی در کنار تیم موضوع مهم و قابل توجهی است تا بازیکنان را در شرایط روحی و روانی آماده مسابقات کند. اگر این فاکتور مهم اتفاق نیافتد، بازیکن ما چطور می تواند در ورزشگاه مملو از تماشاگر و تیمهای صاحب نام وارد زمین چمن شود. یاد خاطره ای از مرحوم علی انصاریان افتادم که در مصاحبه ای گفت: آن سالی که از پرسپولیس به استقلال رفتم، اصلا فکر جو ورزشگاه را نکرده بودم و در بازی رفت مقابل پرسپولیس وقتی می خواستم از پله ها بالا بیایم، پاهایم حرکت نمی کرد و به همین دلیل هم دستم را به نرده ها گرفتم و به زور خودم را به بالا کشاندم!! این حکایت کسی است که چندین سال در تیم پرسپولیس بازی کرده بود و تجربه جو دربی را هم داشت، اما وقتی به تیم رقیب رفت موضوع فرق می کرد. حالا از این مثال کوچک بگذاریم. کنار بازیکنان تیم ملی کشور که باید در عرصه جام جهانی حضور پیدا کنند. اگر چه خیلی از بازیکنان ما مانند بیرانوند، خلیل زاده، کنعانی، طارمی، عزت الهی و... تجربه حضور در جام جهانی را دارند اما اتفاقات بازی با ازبکستان زنگ خطری جدی برای تیم ملی فوتبال کشورمان بود که به صدا درآمد.

آقای قلعه نویی و دستیاران محترم شان توجه داشته باشند، وقتی کسی لباس تیم ملی را به تن می کند، یعنی باید فاکتورهای لازم فنی، تاکتیکی، روحی و روانی رو پشت سر گذاشته باشد. پس تا دیر تر نشده فکری بکنید که جام جهانی جای ترسوها نیست.

البته صحبت های مهدی طارمی بخش های دیگری هم داشت که فعلا به آن نمی پردازیم اما انتظاری رود که مسئولان فدراسیون به آن ورود کنند.



اختلاف کاپیتان با سرمربی بالا گرفت!

تیم ملی با قلعه نویی همین است که هست!



سید رضا فیضی آبادی

مهدی طارمی کاپیتان تیم ملی فوتبال پس از شکست از ازبکستان در تورنمنت ۴ حانبه العین انتقادات شدیدی را متوجه خیلی ها کرد، اما اوج صحبت های طارمی در خصوص ورزشگاه های ایران و آوارگی استقلال و پرسپولیس، تخریب ورزشگاه آزادی، ورزشگاه یادگار امام، ورزشگاه ۷۰ هزار نفری اصفهان و ... بود.

طارمی سپس به رقبای تدارکاتی تیم ملی اشاره کرد و با انتقاد از تورنمنت العین گفت: باید با تیم های بزرگ دنیا بازی کنیم و از شکست نترسیم. اما این طرف قضیه، امیرقلعه نویی جوری از دستاوردها و کلین شیت ها! تعریف کرد که انگار کاپیتان از یک تیم دیگر حرف زده و سرمربی تیم مورد نظر ذهنی خودش را تشریح کرده است!

قلعه نویی: ما در سه بازی پشت سر هم گل نخوردیم و کلین شیت کردیم، ما کاری کردیم که اورونف بهترین بازیکن ازبکستان تعویض شد و یکی دیگر از بازیکنان آنها را اخراج کردیم. آنها در بازی قبلی با ما باعث اخراج آریا یوسفی مدافع جوان ما شدند، ولی ما باعث اخراج بهترین بازیکن آنها شدیم! پنالتی هم شانس است دیگر!

آقای قلعه نویی! شما هنوز هم بعد از گذشت ۱۷ سال از جام ملت های ۲۰۰۷ مالزی همه جا می گوئید که تیم ملی با مربیگری من هرگز نباخت است و آن بازی مقابل کره جنوبی هم با خراب کردن یک پنالتی توسط مهدوی کیا باعث حذف ما شد تا هم غیر مستقیم مهدوی کیا را عامل شکست تیم ملی در سال ۲۰۰۷ معرفی کنید و هم خودتان را خیلی متبحر نشان دهید. حالا که در بازی با دو تیم سید چهارمی فیفا، یک برد و یک باخت با ضربات پنالتی بدست آورده ایم، دوباره دچار تضاد و پارادوکس شدید و یقینا دوستان شما انگشت اتهام شکست از ازبکها را به سمت علیپور و طارمی خواهند برد که چرا پنالتی را نزدند. گفته شده برخی بزرگان تیم از زدن ضربه پنالتی، امتناع کرده اند و شما آخر بازی خطاب به طارمی با عصبانیت گفته اید که چرا پنالتی پنجم را خودت نزدی!

آقای قلعه نویی، مگر پنالتی زن ها را قبل از مسابقه مشخص نکرده بودید؟

این همه دستیار و الهویی کنار شما هستند، یعنی یکی از اینها نتوانست فریاد بزند که آقای کاپیتان، پنجمی را خودت بزن!

و یک سوزن هم به برخی از همکاران رسانه ای! بابا مگر یک سفر چقدر ارزش دارد که اینگونه، تابلو از بازی زیبای تیم ملی تعریف می کنید! در حالیکه کاپیتان تیم ملی رسماً معتقد است در این تورنمنت خوب نبوده ایم و بعد هم می گوید نه! ما خیلی بهتر از ازبکستان بودیم حالا نظر شما چیست؟!

طارمی، ما قرار بود بالا بازی کنیم و تهاجمی، ولی نمی دانم چرا خوب کنار هم قرار نگرفتیم و این شیوه در جام جهانی کاربردی ندارد چون اصولاً تیم ملی هیچ شیوه و استراتژی مشخصی ندارد! حرفی هم از ابراهیم میرزاپور در برابر تعاریف میثاقی از تیم ملی! که گفت تیم ملی نه گل زد و نه گل خورد و این خیلی نمودار خوبی نیست. از زمان برانکو تا کی روش استراتژی تیم ملی مشخص و موفق بود. ترکیب ۴-۳-۱ و دفاع کم نقص در تمام نقاط، یعنی گل نخوردن و استفاده بهینه از ضدحملات



و ضربات ایستگاهی برای گل زدن، شیوه موفق بود که برابر آرژانتین، اسپانیا و پرتغال جواب داد و ما در آن بازیها سخت گل خوردیم. اما مجری برنامه، گارد دفاع از هنر خوب بازی کردن تیم ملی بخود گرفت و او هم همکلام با قلعه نویی از میلاد محمدی ایراد گرفت که داداش ما! اصلاً پنالتی زن نیست! آقای میثاقی! من و شما کنار هستیم و قلعه نویی و ۱۸ دستیارش در بطن کار. یقیناً شرایطی بوده که میلاد رفت پشت ضربه (ضمناً چه اتفاقی افتاده است که در عرض یک هفته، برنامه فوتبال برتر تغییر موضع داده، در حالیکه از تیرهای برق منتهی به ورزشگاه آزادی هم کد می گرفت تا به تاج و قلعه نویی حمله کند به یکباره مدافع سرسخت قلعه نویی شده است! حضور عوامل فوتبال برتر و مدیر شبکه سه به العین گویا باعث این تغییر موضع شده که ما هم به فال نیک می گیریم. البته اگر خالصانه باشد و فردا اگر ویزای یکی از آقایان برای ینگه دنیا نیامد دوباره تاج و تیم ملی متهم نشوند!). اما امروز ما همان حرفی را می زنیم که فردای مسابقه با قطر در جام ملت های آسیا گفتیم. تیم ملی با این تفکر کهنه و فاقد استراتژی مشخص، ره به جایی نمی برد. خدمت آقای تاج عرض می کنیم اگر بناست با همین دست فرمان به جام جهانی برویم، قید صعود از جمع ۴۸ تیم به ۳۲ تیم را هم بزیند و تنها توصیه ای که به قلعه نویی دارید این باشد که آقایان، یک ترکیب مطمئن و محکم دفاعی را در این چند ماه به طور ثابت در همه بازیهای تدارکاتی اتخاذ کنند، تغییرات پی در پی در ترکیب نداشته باشند، و بی خیال شیب تند و ملایم جوانگرایی باشند.

بگذارید در جام جهانی زنگ تفریح نباشیم. این تیم دچار اختلافات درونی هم هست که بزرگترین آفت برای تیم ملی است. قلعه نویی هم دچار توهم است چه اینکه هر گلی که می خوریم و با هر شکست آن را متوجه اشتباه فردی بازیکنان می داند. اشتباه فردی یعنی بازیکن مقصر است و من به عنوان سرمربی کارم را خیلی خوب بلد هستم. این باعث دلخوری بازیکنان بخصوص بزرگان تیم ملی هم شده است و این شکاف هر روز عمیق تر می شود. نگذارید یک عده مجیزگوی قلعه نویی باشند! و یک عده در جناح مقابل.

آقای تاج، با این حرکت که از تیم ملی می بینیم امیدی به اتفاق خاصی نداریم ولی شما هر جور صلاح می دانید یک اتحاد و یکدلی را درون تیم به وجود آورید تا در جام جهانی آبرومندانه ظاهر شویم.

آقای قلعه نویی صعود پیشکش! همین که تیم ملی را یکدست و سلامت به جام جهانی ببرید، از شما و الهویی و ۱۷ دستیار دیگران نهایت سپاسگذاری را داریم!



جوانان ژیمناست رفتند، حاشیه ها چه زمانی خواهد رفت؟

دچار چالش بوده اند. بنا بر این چالش های اخیر فدراسیون یادشده منحصر به امروز و دیروز و این وزیر و معاونین فعلی نبوده و نیست، بلکه سال هاست شاهد کشمکش های بی پایانی از ناحیه مشخص با مسئولین گذشته تا امروز بوده ایم. به عبارت دیگر اگر قرار باشد کسانی در رابطه با مشکلات و حواشی ژیمناستیک سرزنش شوند همانا مسببان اصلی اوضاع پر تنش چند سال گذشته خواهند بود. کسانی که گویا هنوز از عواقب اختلافات درس نگرفته و هر بار سناریو تازه ای می نویسند.

بدیهی است در این مقال قصد جانبداری از وزارت ورزش را نداریم و ایضا معتقدیم اعزام بدون استرس ورزشکاران به مسابقات برون مرزی حق آنهاست اما اینکه جای مقصر واقعی با افراد و عوامل دیگر تخلیط شود، موجب تعجب است. با اندکی درنگ و تأمل به سادگی می توان مرکز اصلی بروز و حواشی رشته ژیمناستیک را شناسایی کرد. جایی که طی هشت سال گذشته منشأ اغلب ایجاد اختلاف بوده است. تا زمانی که پاره ای اصلاحات در آن مرکز انجام نشود چه بسا کشمکش ها تا نابودی آرزوهای قهرمانان ژیمناستیک ادامه پیدا کند. اینکه چرا اعضای مجمع فدراسیون مهر سکوت بر لب زده و هیچ صدایی از آنها شنیده نمی شود جای تعجب ندارد. اینکه حفظ کرسی فدراسیون تا چه زمانی و به چه قیمت ادامه خواهد یافت هم روشن نیست اما یک موضوع کاملاً روشن است و آن اینکه اداره یک فدراسیون با چنین خط سیر و سیاست، جز خسران پیامد دیگری به همراه نخواهد داشت.

کردند بطور غیر مستقیم و از زبان برخی رسانه ها مصاحبه های هماهنگ شده ژیمناست های جوان را منعکس و به اصطلاح، توپ را به زمین وزارت ورزش بیندازند. در این باب، از دست اندرکاران فدراسیون انتظاری نیست بلکه تعجب از برخی دوستان رسانه ای بود که بدون توجه به مسببین اصلی فضای به وجود آمده، و عملاً در زمین آنها بازی کردند. همان کسانی که طی سال های طولانی مدت مسئولیت و در دوره های مختلف، تقریباً با اغلب مسئولین وزارت ورزش



محمد رضا کاظمی

بالاخره پس از بیم و امید بسیاری، اعضای تیم ژیمناستیک هنری جوانان راهی فیلپین شدند تا در یک میدان مهم با رقبای جهانی خود به رقابت بپردازند.

مسئولین فدراسیون ژیمناستیک که طی دوران طولانی مدت حضور در دایره محدود قدرت با بهره گیری از ابزارهای مختلف مدیران بالادستی ورزش را به انفعال کشاندند اینبار متوجه شدند، تهدیدات شان در میان مقامات فعلی وزارت ورزش خریدار ندارد. نفر اول این فدراسیون که تا چندی پیش از هر فرصتی برای انجام مصاحبه و مقصر جلوه دادن وزارت ورزشی ها استفاده می کرد تا آنها را نیز وادار به عقب نشینی کند بالاخره این حقیقت را دریافت که ممکن است رویارویی با وزارت ورزش بدون هزینه نباشد. هزینه هایی که در گام اول با تقلیل میزان حمایت از فدراسیون نمود عینی پیدا کرد و در ادامه، پیامدهای آن موجب بازماندن ورزشکاران از برخی رویدادهای داخلی و خارجی خصوصاً رقابت های جهانی بزرگسالان شد. این اتفاقات تلنگری بود تا تازمه ناراضیتی در میان ورزشکاران مجال ظهور پیدا کند. بیم و امید جوانان در آستانه مسابقات جهانی و بلا تکلیفی در برزخ ماندن یا رفتن، واکنش هایی را به همراه داشت. این واکنش ها البته بدون هماهنگی با فدراسیون نبود چرا که آنها سعی



ریاض گردی آدمهای بی ربط با ورزش

آش خیلی شورتر از این حرف هاست!



سفر کنند، کم شود، جای تأسف دارد که حضور چنین آدمهایی حتی به قیمت نتیجه نگرفتن تیمها، به خاطر نداشتن عناصر اصلی هم منجر شده است، اما هنوز هستند، کسانی که بی‌فایده کنار کاروان‌های ورزشی حضور دارند.

مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض آخرین حضور این افراد اضافه و بیکار در کنار ورزشکاران نیست و حتما چنین آدمهایی برای مسافرت‌های دیگر هم برنامه‌ریزی کرده‌اند. به هر حال سالن گردی و تماشای مفت مسابقات مهم ورزشی و البته سفرهای خارجی رایگان که هزینه آن از بیت‌المال و جیب مردم تأمین می‌شود سال‌هاست که به این آدمها چسبیده است و بعید است که بتوانند این عادت زشت را ترک کنند، مگر اینکه یک مسئول دلسوز و وظیفه‌شناس پیدا شود و طومار حضور چنین افرادی را در کنار ورزش برای همیشه برچیند. این مدیر درست می‌تواند همین وزیر ورزش خودمان باشد تا با یک اقدام درست و بجای جلوی هدررفت پول مردم و بیت‌المال را بگیرد و چنین آدمهای اضافه، بیکار و بی‌فایده‌ای را برای همیشه به گوشه خانه‌هایشان بفرستد تا هم ورزش از لوٹ وجودشان پاک شود و هم بیت‌المال از شر دست‌درازی و هزینه‌کرد برای آنها راحت شود. امیدواریم که این فرد، همین وزیر ورزش خودمان باشد تا در کنار خیلی از کارهای درستی که انجام داده با این کار هم نام خود را در تاریخ ورزش ایران ثبت کند.

این آدمهای بی ربط با ورزش چرا با پول مردم در خیابانهای ریاض می‌چرخند؟

به گزارش وقت اضافه روزنامه جوان نوشت: این روزها در حالی که ورزشکاران ایران به سختی در حال رقابت با حریفان خود هستند برخی افراد اضافه که ظاهراً تعدادشان کم هم نیست، صرفاً برای گشت و گذار و تفریح به ریاض سفر کرده‌اند، بدون اینکه سمت یا مسئولیتی داشته باشند یا اینکه حضورشان دردی از کاروان دوا کند. البته ماجرا وقتی افتضاح‌تر می‌شود که در میان تصاویر منتشر شده از این جمع بیکار، تصویر اشخاصی کاملاً بی‌ارتباط با ورزش هم بیرون می‌آید که اصلاً مشخص نیست با چه عنوانی همراه کاروان رفته‌اند.

جای تأسف است که این عده، آدمهایی هستند که سال‌ها امتحانشان را در ورزش پس داده و با کارنامه‌ای مردود بیرون رفته‌اند، اما به عنوان چسبیده‌های جدا نشدنی از ورزش همچنان هستند. به هر حال این عده را جای دیگر نمی‌پذیرند و شاید حتی در منزل هم چندان تحمل‌شان نکنند و همین مسئله هم باعث می‌شود که بیشتر تأسف بخوریم بابت اینکه چرا در ورزش کشور عزمی برای بیرون کردن این افراد وجود ندارد. سال‌هاست که مسئله حضور آدمهای اضافه و بی‌مسئولیت در کنار کاروان‌های اعزامی به مسابقات مختلف ورزشی مورد انتقاد است و درست به تعداد همین سال‌هاست که مسئولان ورزش کشور کوچک‌ترین توجهی هم به این انتقادات نمی‌کنند و سال‌هاست که حتی از ترکیب تیمها و نفراتی که لازم است اعزام شوند، کم می‌کنند تا مبادا کسی از این جماعت بیکار که عادت کرده‌اند با پول مردم و بیت‌المال

واقعیتی که نمی‌شود، آنرا کتمان کرد

«جمع» ورزشی‌ها و

غیرورزشی‌ها در ریاض «جمع» بود!

به بوته فراموشی هم سپرده شوند. که نمونه‌هایش هم بسیار است. که بدون شک خود دوستان هم از آنها اطلاع کافی داشته و دارند. برای مثال هنوز نامه‌ای از مرداد ماه در انتظار امضای مسئولین مرتبط در کمیته ملی المپیک است که گویا هنوز متأسفانه فرصت این کار برای آنها فراهم نشده است و...

خدا را شکر، چنین به نظر می‌رسد که با پایان رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی در ریاض، این فرصت پیش آمده است، که دوستان بعضاً سری هم به تهران زده و بر سر کارهای خود حاضر شوند، تا کارهای عقب افتاده را به گونه‌ای جبران کنند و بعد هم اگر خواستند و قسمت شد، راهی سفر یا سفرهای بعدی شوند!

خدا را شکر که جمع مدیران ورزشی و غیر ورزشی کشور در عربستان، جمع بود. یکی می‌رفت و یکی می‌آمد! و در این رفت و آمدها، اصلاً مشخص نشد که عایدی آنها برای ورزش چیست! دوستانی که به تعبیر خودشان، تنها کار مثبت آنها حضور در سالن مسابقات و نشستن به تماشای رقابت‌های ورزشکاران بود. کاری که اگر چه دوستان مدعی هستند که به لحاظ روحی و روانی بر روی ورزشکاران اثر مثبت داشت! اما موارد دیگری هم وجود دارد که شاید ارزشش بیشتر از این حضور بود. وقتی مادر تهران و بواسطه همین حضور دسته جمعی، کار ورزش را به نوعی تعطیل کرده و در مسافرت‌های این چنینی حاضر بودیم، این را هم باید بپذیریم که کارها بر روی هم تلنبار شده و بعضاً

بر جای مانده از سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی بحرین

کار بزرگ جوانان آینده ساز در منامه

و آفرین گفت. جوانانی که می‌توانند در صورت یک برنامه ریزی درست آینده ورزش کشور را بیمه کنند

مدال آوری در ۱۹ رشته کاروان ۲۳۹ نفری ایران در ۲۴ رشته ورزشی در این بازیها شرکت داشت که در ۱۹ رشته آن موفق به کسب مدال شد و در ۵ رشته هم نتوانست توفیقی را به دست بیاورد.

نخستین تجربه نخستین دوره مسابقات المپیک آسیایی جوانان در سال ۲۰۰۹ در کشور سنگاپور برگزار شد که در آن رقابتها کاروان ورزشی ایران با ۵۴ ورزشکار حضور داشت که نتیجه تلاش ورزشکاران ایرانی در آن مسابقات کسب یک مدال طلا، سه مدال نقره و دو مدال برنز بود. نتیجه‌ای که باعث شد تا کاروان ایران در مجموع در رده یازدهم جدول مدالی نهایی مسابقات قرار بگیرد.

دومین حضور دومین دوره مسابقات المپیک آسیایی جوانان در سال ۲۰۱۳ و در نانجینگ چین برگزار شد. در آن رقابتها اگرچه به لحاظ کمی مسئولان ورزش کشور ۲۵ ورزشکار را بیشتر راهی مسابقات کرده

واسطه پشتوانه‌های حمایتی خانواده‌های آنها در رقابت‌های مختلف عملکرد خوبی داشته‌ایم. اما باید بپذیریم که کار اصلی که بر عهده فدراسیون ها و ورزش کشور است، تازه از اینجا به بعد آغاز می‌شود که بر روی این نخبه‌های جوان ورزشی برنامه‌ریزی مناسب داشته و آنها را برای آینده ورزش کشور حفظ کنند. البته بد نیست مسئولان نگاهی نیز به دو دوره قبلی این بازیها داشته و متوجه این واقعیت مهم بشوند، که ما در خصوص حفظ سرمایه‌های نوجوان و جوان خود تا به امروز توفیق چندانی نداشته‌ایم هرچند که دوستان مسئول در این خصوص آمار ۱۲ درصدی را می‌دهند، اما به با نگاهی به نام‌ها می‌توان متوجه شد که این آمار به ۵ درصد هم نمی‌رسد که باید برای رفع این نقیصه بزرگ برنامه‌های اساسی و بلند مدت داشت. در ادامه به طور آماری و بخش به بخش به نکات بر جای مانده از این رقابتها اشاره‌ای خواهیم داشت.

عملکرد عالی الحق والاصاف، عملکرد کاروان ایرانی علی الخصوص ورزشکاران جوان کشورمان در سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی جوانان ۲۰۲۵ بحرین، نه تنها خوب، بلکه عالی بود و باید با آنها به واسطه کار خوب و بزرگی که انجام دادند خدا قوت

سومین دوره رقابت‌های المپیک آسیایی جوانان از ۲۷ مهر لغایت ۹ آبان ماه با حضور نزدیک به ۸۰۰۰ ورزشکار از ۴۵ کشور آسیایی و در ۲۶ رشته ورزشی در منامه بحرین برگزار شد. جایی که کاروان اعزامی کشورمان با ۲۳۹ ورزشکار در ۲۴ رشته ورزشی در آن حاضر بود و توانست بعد از کشورهای چین ازبکستان و قزاقستان و بالاتر از کشورهای کره جنوبی و ژاپن به عنوان چهارمی رقابتها دست پیدا کند. عنوانی که بابت کسب آن باید به ورزشکاران و مربیان آنها و در یک کلام به ورزش ایران تبریک گفت و برای کار بزرگی که آنها انجام داده‌اند، قدرشناسی تلاش آنها بود. اما بد نیست که در اینجا به این نکته اصلی نیز اشاره‌ای داشته باشیم که ورزشکاران جوان کشورمان در این رقابتها کار بزرگ خودشان را به بهترین شکل ممکن به انجام رساندند. همه آن‌هایی که چه مدال گرفتند و چه موفق به کسب مدال نشدند. چه آنهایی که در زمره رشته‌های موفق نامشان آورده شد و چه آنهایی که در میان رشته‌های دور از انتظار به لحاظ عملکردی مورد انتقاد قرار گرفتند. چرا که اعتقاد بر این است که آنها، هر آنچه در توان داشتند به کار بستند و به واسطه آن ثمره تلاش خود را نیز به دست آوردند. در این رهگذر از واقعیت‌هایی هم نباید گذر کرد و آن اینکه ما همواره در رده‌های سنی نوجوانان و جوانان به





بودند، اما حاصل کار کاروان ۷۹ نفره ایران در مسابقات تانجینگ چین تنها کسب ۶ مدال نقره و دو مدال برنز بود. عملکردی قابل بحث که باعث شد تا کاروان ایران در رده بندی مدالی مسابقات، در جایگاه بیستم قرار گیرد.

رویداد سوم

سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی جوانان با ۱۲ سال وقفه در سال ۲۰۲۵ در منامه بحرین برگزار شد. مسابقاتی که کاروان ایران در آن با ۲۳۹ ورزشکار و در ۲۴ رشته ورزشی از مجموع ۲۶ رشته ورزشی، شرکت داشت که در آن با کسب ۲۲ مدال طلا، ۱۸ مدال نقره و ۳۶ مدال برنز در جایگاه چهارم جدول رده بندی نهایی مسابقات قرار گرفت.

هیأت اجرایی و سرپرستی

اگر چه بطور دقیق آمار مشخصی در این خصوص تا به امروز ارائه نشده است، اما شنیده ها حکایت از آن دارد که تعداد همراهان، میهمانان و اعضای کاروان سرپرستی ایران بیش از حد مورد انتظار بوده است و وقتی این آمار و این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می کند، که بدانیم استقرار این دوستان در دهکده بازی ها نبوده و در هتل اقامت داشته اند!

رشته های فراموش شده

میزبان در برنامه مسابقاتی خود، رقابت رشته هایی مانند ووشو، تیراندازی، تیر و کمان، کاراته و ژیمناستیک را برگزار نکرد. رشته هایی که لزوم برگزاری آنها بیش از خیلی از رشته های دیگر ورزشی که برگزار شد، احساس می شد!

ژاپن و کره

اینکه چرا ژاپن با ۴۹ ورزشکار و کره جنوبی با ۷۷ ورزشکار در این رقابت ها شرکت کرد، نیز از آن دست علامت سوال های بزرگی است، که در مقابل دیدگان مخاطب قرار می گیرد. کشورهایی که در ورزش قاره کهن به گفته دوست و دشمن در زمره سرآمدان آن بوده و هستند. کشورهایی که در پایان این بازی ها با کسب رده های شانزدهم و یازدهم به کار خود پایان دادند تا مشخص شود، تا چه اندازه برایشان حضور در این رقابت ها اهمیت داشته است.

رشته های بی مدال

در میان ۲۴ رشته ای که کاروان ورزشی ایران در سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی ۲۰۲۵ بحرین در آنها شرکت داشت کلف، دوچرخه سواری، بدمینتون، والیبال ساحلی و سه گانه رشته هایی بودند که دست ورزشکاران آنها از رسیدن به مدال بازی ها کوتاه ماند.

چینی های نشکستنی

چین که طبق معمول، قهرمان سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی ۲۰۲۵ بحرین لقب گرفت، در این مسابقات با ۲۸۸ ورزشکار و در ۲۲ رشته ورزشی شرکت داشت. چینی های نشکستنی با کسب ۶۳ مدال طلا، ۴۹ مدال نقره و ۳۵ مدال برنز در مسابقات دست نیافتنی ظاهر شدند و با اقتدار قهرمانی را به نام خود زدند.

نایب قهرمانی ازبک ها

تیم دوم جدول رده بندی مدالی رقابت های المپیک آسیایی جوانان ۲۰۲۵ بحرین، یعنی ازبکستان با ۱۸۸ ورزشکار و در ۲۱ رشته ورزشی در این رقابت ها حاضر بود. کاروانی که اعضای آن با کسب ۳۷ مدال طلا، ۱۶ مدال نقره و ۲۸ مدال برنز در جدول مدالی بازی ها در جای دوم قرار گرفتند.

قزاق های شگفتی ساز

قزاق ها که تنها با دو مدال طلای بیشتر نسبت به ایران، به عنوان سومی بازی ها المپیک آسیایی بحرین دست یافتند، ۲۴۴ ورزشکار را در ۲۱ رشته ورزشی به این مسابقات اعزام کرده بودند که ۲۴ مدال طلا، ۲۹ مدال نقره و ۴۰ مدال برنز حاصل عملکرد آنها در این دوره از بازی ها بود.

یازدهمی کره ای ها

کره جنوبی در این مسابقات و در جدول پایانی با کسب ۷ مدال طلا، ۷ مدال نقره و ۱۱ مدال برنز در جایگاه یازدهم ایستاد. کره ای ها در این بازی ها با ۷۷ ورزشکار و در ۱۱ رشته ورزشی شرکت داشتند.

سامورایی های مرموز

ژاپنی ها در رقابت های آسیایی جوانان بحرین و در مجموع به عنوانی بهتر از شانزدهمی دست پیدا نکردند. ژاپنی های مرموز با کسب ۴ مدال طلا، ۶ مدال نقره و ۸ مدال برنز پایین تر از کشورهای هند، هنگ کنگ، امارات، کره شمالی، تایوان، فیلیپین، بحرین و اندونزی و بالاتر از کشورهای عراق، تاجیکستان، سنگاپور و اردن قرار گرفتند. ژاپنی ها در بحرین با ۴۹ ورزشکار و تنها در ۱۰ رشته ورزشی حضور داشتند!

رده بندی پایانی

در پایان سومین دوره مسابقات المپیک آسیایی جوانان ۲۰۲۵ در بحرین تیم های چین، ازبکستان، قزاقستان، ایران، تایلند، هند، هنگ کنگ، امارات، کره شمالی، تایوان، کره جنوبی، فیلیپین، عربستان، بحرین، اندونزی، ژاپن، عراق، تاجیکستان، سنگاپور و اردن به ترتیب عناوین اول تا بیستم را از آن خود کردند.





حضور دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در فدراسیون بدمینتون

خسروپناه: در راه برگزاری شکوهمند رقابت‌های بین‌المللی فجر، باید به بهترین شکل ممکن به فدراسیون بدمینتون کمک کرد

زمانی تنها چند هفته بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم غاصب صهیونیستی علیه کشور عزیزمان ایران بود. رقابت‌هایی که با افتخار نمایندگان ۶ کشور خارجی در آن حضور داشته و مسابقات خوبی را در منطقه آزاد انزلی برگزار کردند.

رئیس فدراسیون بدمینتون گفت: با افتخار باید بگویم که بدمینتون در سبد نیازهای خانوارهای ایرانی قرار داشته و به همین دلیل هم ما سالانه مبلغ قابل توجهی را جهت خرید راکت، توپ و وسایل بازی این رشته پرتحرک هزینه و آنرا به رایگان بین مردم توزیع می‌کنیم.

پوریا گفت: فدراسیون بدمینتون بیش از ۴۰۰ هزار بدمینتون باز در ایران و در دو سطح حرفه‌ای و همگانی دارد که یک آمار فوق‌العاده به حساب می‌آید. حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین حسینی معاونت امور فرهنگی و توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان در ادامه گفت: خوشحال هستیم که بسیاری از اولین‌ها توسط شما و فدراسیون بدمینتون دارد اتفاق می‌افتد.

حسینی در ادامه گفت: فدراسیون بدمینتون یکی از فدراسیون‌های نمونه، خانواده‌محور و پرتحرک دنیاست که بدمینتون‌بازان شرق آسیا هم قهرمانان بلامنازع آن

کریاسیان و عالمی در مسیر راهاندازی این رقابت‌های ماندگار گفت: اعتقاد داریم که رقابت‌های گرامیداشت دهه مبارک فجر، یادگار ارزشمند انقلابی است که شهادت بسیاری را تقدیم آن کرده ایم و وظیفه خود می‌دانیم که همه ساله این رقابت را در بهترین شکل ممکن آن برگزار کنیم.

رئیس فدراسیون بدمینتون در ادامه گفت: ۳۳ سال است که در ارتباط با دعوت از ورزشکاران بدمینتون خارجی برای حضور در جشن‌های شکوهمند انقلاب اسلامی با آنها در تعامل نزدیک بوده و هستیم.

پوریا گفت: در سال جاری در ارومیه میزبان سی و چهارمین دوره رقابت‌های بین‌المللی بدمینتون دهه مبارک فجر خواهیم بود. رقابت‌هایی که از همین حالا مقدمات برگزاری خوب آن تدارک دیده شده است.

نایب رئیس فدراسیون بدمینتون آسیا گفت: متأسفانه نتیجه‌گرایی و دل خوش کردن به تک مدال‌ها باعث شده است تا ما از اصل ورزش دنیا عقب بمانیم، که برای رفع این نقیصه باید راهکاری ارائه شود.

پوریا گفت: یکی از کارهای بزرگی که فدراسیون بدمینتون در سال جاری موفق به انجام آن شده است: برگزاری خوب رقابت‌های بین‌المللی کاسپین با فاصله

دکتر عبدالحسین خسروپناه دزفولی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین حسینی معاونت امور فرهنگی و توسعه ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، دکتر علیرضا رحیمی دبیر شورای عالی جوانان و معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، دکتر ابراهیم شکرانی دبیر ستاد فرهنگی و اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دکتر سید محمد طباطبایی سرپرست اداره کل فرهنگی وزارت ورزش و جوانان و هیئت همراه با حضور در محل فدراسیون بدمینتون با دکتر محمدرضا پوریا نایب رئیس فدراسیون بدمینتون آسیا و رئیس فدراسیون بدمینتون ایران، فریبا مددی عضو هیئت رئیسه و رئیس کمیته بانوان آسیا و نایب رئیس بانوان فدراسیون بدمینتون، محمد فرجی نایب رئیس فدراسیون بدمینتون، فرشاد نصرتی دبیر فدراسیون بدمینتون و دیگر مسئولین این فدراسیون دیدار و گفت‌وگو کردند. در ابتدای این نشست محمدرضا پوریا ضمن خیر مقدم به میهمانان از حضور ارزشمند آنان تقدیر و تشکر و این حضور را اتفاقی نادر در ورزش کشور دانست.

پوریا در ادامه در خصوص اهمیت برگزاری رقابت‌های گرامیداشت دهه مبارک فجر و تقدیر از تلاش‌های آقایان



رشته تمهیدات کاربردی بیشتری را نیز لحاظ کند.

دکتر عبدالحسین خسروپناه دزفولی دبیر شورایی انقلاب فرهنگی نیز در پایان نشست گفت: ادب حکم می‌کند که ما خدمت روسای محترم فدراسیون‌های ورزشی برسیم و به همین دلیل هم امروز اینجا هستیم. خسروپناه گفت: آقای پوریا به عنوان یکی از قدیمی‌های ورزش کشور مایه افتخار هستند و باید در راه برگزاری خوب رقابت‌های بین‌المللی دهه مبارک فجر هم به بهترین و جدی‌ترین شکل ممکن به ایشان کمک کرد. خسروپناه افزود: حضور آقای کرباسیان در کنار فدراسیون بدمینتون فرصت مغتنمی است که باید از آن نهایت استفاده صورت پذیرد.

دبیر شورایی انقلاب فرهنگی در پایان گفت: پیشنهادی به ذهن من رسید که لازم می‌دانم آن را مطرح کنم و آن برگزاری یک جشنواره خیابانی از میدان انقلاب تا میدان آزادی است. مسیری که باید یک روز با محوریت وزارت ورزش و جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری تهران و صدا و سیما غرفه‌هایی را برای همه ۵۳ فدراسیون ورزشی تدارک و رشته‌های مختلف و جذاب ورزشی را در آنجا به دید عموم مردم گذاشت.

می‌شود که باید آن را قدر نهاد.

معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان گفت: در راه برگزاری شکوهمند رقابت‌های بین‌المللی بدمینتون گرامیداشت دهه مبارک فجر ما در کنار شما خواهیم بود و از کار بزرگ شما حمایت خواهیم کرد. دبیر شورایی جوانان گفت: صحبت‌هایی با مسئولین دو منطقه آزاد اقتصادی انجام شده تا در مسیر تولیدات داخلی توسط نخبگان و موسسات دانش بنیان به این رشته کمک کنند. رحیمی در پایان گفت: بدمینتون در زمره رشته‌هایی است که در مسیر رشد قرار داشته و آینده بسیار خوبی هم برای آن پیش بینی می‌شود.

دکتر ابراهیم شکرانی دبیر ستاد فرهنگی و اجتماعی شورایی انقلاب فرهنگی نیز به عنوان چهارمین سخنران نشست گفت: از فدراسیون بدمینتون و کارهای خوب زیربنایی که در آن انجام شده و می‌شود، تشکر می‌کنم و اعتقاد دارم که پارک علم و فناوری می‌تواند در تولیدات دانش بنیان به این فدراسیون کمک شایانی بنماید.

شکرانی گفت: بدمینتون در زمره رشته‌های دانشگاهی است که طرفداران خاص خودش را هم دارد. ضمن اینکه به نظر من فدراسیون باید برای بیشتر همگانی کردن این

هستند. رشته‌ای جذاب و همه پسند که قوانین آن هم بر اساس نگاه حکیمانه‌ای که پشت آن نهفته است تدوین شده است.

معاونت فرهنگی وزارت ورزش و جوانان در ادامه گفت: خوشحالم که بگویم پوریا ورزش بدمینتون را در ایران احیا کرده است، که باید بابت آن از ایشان سپاسگزار بود. حسنخانی گفت: بدمینتون در مسیر توسعه خود باید حرکت کند تا به قله که همان ورزش قهرمانی است برسد. که این آرزو هم چندان دور نیست. معاونت ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: با توجه به اینکه فدراسیون بدمینتون ظرفیت بسیار بالایی دارد باید در راه تسهیل گری هم گام بردارد و کاری کند که مردم بتوانند به راحتی وسایل آن را تهیه و در آن به فعالیت بپردازند.

علیرضا رحیمی دبیر شورایی جوانان و معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در ادامه نشست گفت: آقای پوریا از پیشکسوتان و مفاخر ورزش ما هستند که حضور ایشان در پست نایب رئیسی آسیا نیز برای ورزش کشور بسیار ارزشمند و تاثیرگذار است. رحیمی گفت: حضور این جمع فرهیخته در فدراسیون‌های ورزشی و در روزهای یکشنبه هر هفته دارد به یک عادت خوب تبدیل

جام جهانی ۴۸ تیمی و تاثیر رقابت آزاد بر رشد فوتبال ملی کشورها

لطف دموکراسی فوتبال به کیپ ورد،

سورینام، ازبکستان، اردن، کوراسائو، مقدونیه شمالی و...

همان طور که قبلا در اولین گزارش وقت اضافه بعد از پایان جام جهانی ۲۰۲۲ درباره رقابت مقدماتی جام جهانی بعدی پیش بینی کرده بودیم، در اثر آزادی بیشتر رقابت، انگیزه تیمهای ملی کم نام و نشان تر هم بیشتر شده است. در نتیجه شاهد نخستین صعود ازبکستان و اردن از آسیا به جام جهانی بودیم در حالی که از درخشش عمان و فلسطین در مقدماتی آسیا نیز نمی توان بسادگی گذشت. در مقابل تیمهای قوی تر و با سابقه تری مثل امارات، عراق، چین، کره شمالی، سوریه، تایلند و ویتنام موفق نبوده اند. در مقدماتی آفریقایی جام جهانی ۲۰۲۶ نیز گابن و بورکینافاسو تا یک قدمی نخستین صعود رفتند و ژئیر سابق هنوز هم بخت صعود دارد.

در کونکاکاف (آمریکای شمالی و مرکزی)، اثر انگیزشی جام جهانی ۴۸ تیمی، خود را در جهش تاریخی تیم های ملی سورینام و یک جزیره کوچک کارائیبی به نام کوراسائو نشان داد که تا پیش از این هیچ نام و نشانی از آنها در سطح اول فوتبال ملی وجود نداشت.

سرانجام در قاره اروپا، شگفتی آفرینی نروژ و اتریش بعد از سه دهه غیبت در سطح اول فوتبال جهان و رقابت تنگاتنگ امثال اسلواکی و مقدونیه شمالی با بزرگان اروپا برای صعود به جام جهانی، نوید رشد کشورهای بیشتری را در نتیجه رقابت آزاد تر در مرحله مقدماتی جام جهانی می دهند.

جام های جهانی فوتبال از حضور در رقابتهای آتی آمریکای شمالی بازماند که سهمیه قاره سیاه نسبت به دوره قبل در قطر ۲۰۲۲، از پنج تیم به ۹ تیم افزایش پیدا کرده بود. این باعث شد تقریباً همه قدرتهای فوتبال آفریقا به طور مستقیم به جام جهانی ۲۰۲۶ راه پیدا کنند، به جز کامرون و نیجریه که حالا کامرون تیمی که همین سه سال پیش تنها شکست برزیل در وقت های قانونی را در جام جهانی ۲۰۲۲ رقم زده بود، شانس صعود غیر مستقیم به آمریکا، کانادا و مکزیک ۲۰۲۶ را از دست داد. در عوض جزیره ششصد هزار نفری کیپ ورد در جام جهانی سال آینده حاضر می شود و حتی جمهوری دموکراتیک کنگو هم هنوز بخت صعود دارد.

درخشش این دو تیم، نتیجه تأثیری است که افزایش پنجاه درصدی تعداد تیمهای صعودکننده به جام جهانی برافزایش عمومی بخت کشورهای عضو هر کنفدراسیون به دنبال داشته است.

این نتیجه تأثیر عینی همان پدیده ای است که مرحوم داریوش مصطفوی، رئیس پیشین فدراسیون فوتبال ایران از آن به عنوان دموکراسی فوتبال یاد می کرد.



شروین طاهرک

تیم ملی کامرون با شکست در مرحله پلی آف مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶، بزرگ ترین غایب قاره سیاه در این تورنمنت لقب گرفت. شیرهای رام نشدنی با یک گل مقابل جمهوری دموکراتیک کنگو (ژئیر سابق) مغلوب شده و به دیدار نهایی پلی آف مقابل نیجریه نرسیدند. برنده نیجریه و کنگو، اوایل سال آینده میلادی در پلی آف بین قاره ای جام جهانی ۲۰۲۶ برای انتخاب ۲ صعود کننده نهایی شرکت خواهد کرد. اما کامرون در حالی به عنوان باسابقه ترین تیم آفریقایی در ادوار



خلیل زاده و راهی که به ناکجا آباد ختم می شود

مرثیه برای فوتبالی که بزرگتر ندارد!

عقاب چه کس یا چه کسانی هستند! شجاع خلیل زاده که گویا در جریان آخر و عاقبت عقاب های مجازی نیست، پاسخ منتقدان به تیم ملی را در شرایطی می دهد که گویا کسی نبوده و نیست که به او بگوید که فقط فوتبالش را بازی کند! پولش را بگیرد و کاری هم به کار منتقدان تیم ملی نداشته باشد چرا که تصمیم گیران و تصمیم سازان تیم ملی خودشان، اندازه کافی بلدند که در چه زمانی و چگونه با منتقدان تیم ملی روبرو شوند! همان هایی که پس از هر بازی و فارغ از هر نتیجه ای که در آن به دست می آید، برای خود دشمن فرضی تراشیده و به آنها حمله کلامی می کنند و ...

شجاع که دیگر خیلی وقت است که فوتبالش در مرز تمام شدن قرار دارد، برای حفظ موقعیت امروز خود، گویا راه چاره ای جز هتاکي به منتقدان تیم ملی و حمایت از آنهایی که چنین برخوردهایی را دوست دارند برای خود نمی بیند! و ...

توهین های گاه و بیگاه شجاع خلیل زاده مدافع ملی پوش تیم فوتبال تراکتورسازی و عدم برخورد مناسب با او نشان می دهد که واقعا این فوتبال بزرگتر ندارد! چرا که



سعید حاتمی

اگر غیر از این بود او هرگز به خودش اجازه نمی داد که هر توهینی را که می خواهد نسبت به منتقدان روا دارد! مناسفانه در چنین شرایطی، تداوم هتاکي های شجاع خلیل زاده نه تنها با برخوردی از سوی دست اندرکاران فوتبال روبرو نمی شود، بلکه به نوعی او با بازی کردن در تیم ملی و تیم تبریزی پاداش فحاشی های خودش را هم می گیرد! کسی که در تازه ترین توهین خود آورده است کلاغ تنها پرندای است که به عقاب حمله می کند! توهینی که در آن مشخص نیست کلاغ از نگاه او کیست و



حقیقتی که روانخواه باید آن را بپذیرد

وقتی دروازه بان یک تیم بهترین

دروازه بان یک تورنمنت می شود، معنایش زیاد خوب نیست!

دروازه بان رقابت ها بود! دروازه بانی که اگر چه چهار بار دروازه اش باز شد اما این انتخاب نشان می دهد که به دفعات نیز دروازه اش باز نشده است و آنقدر درخشان در درون دروازه ایران ظاهر شده است که لیاقت این انتخاب را داشته باشد! که این انتخاب باز بیانگر این واقعیت است که امید رضا روانخواه باید در نحوه چیدمان تیمش نیز، یک تجدید نظر جدی داشته باشد. چرا که وقتی یک دروازه بان با ۴ گل خورده! بهترین دروازه بان یک تورنمنت می شود، این زیاد معنای خوبی برای یک تیم و سرمربی آن نمی تواند داشته باشد!

CUP در مقابل ضعیف ترین تیم رقابتها، یعنی بحرین قرار گرفته و در نهایت نیز، با یک گل به پیروزی رسیدند تا علاوه بر عنوان سومی بازی ها، جایزه ۲۰ هزار دلاری را نیز دریافت نمایند. امیدهای ایران در رقابت های چهار جانبه MANAS CUP روسیه ۲ بار دروازه حریفان خود را باز و چهار بار نیز دروازه خود را گشوده دیدند! تا دغدغه های امیدرضا روانخواه در ادامه کار با تیم فوتبال امید بیشتر و بیشتر شود. اما نکته جالب توجه و مهم در این رقابت های انتخاب محمد خلیفه دروازه بان تیم امید ایران به عنوان بهترین

تیم فوتبال امید ایران در رقابت های چهار جانبه MANAS CUP روسیه با قبول دو شکست و یک پیروزی عنوان سومی آن رقابت ها را از آن خود کرد. رقابت هایی که تیم فوتبال امید ایران، بازی نخست خود را در مقابل تیم زیر ۲۱ سال روسیه دو بر صفر واگذار کرد. امیدها در دومین دیدار خود نیز در شرایطی که یک بر صفر از حریف خود قرقیزستان پیش بودند، در نهایت بازی را با حساب دو بر یک به حریف واگذار کردند تا ضعف های امیدهای ایران در نتیجه گیری بیشتر عیان شود. امیدهای ایران در سومین و آخرین بازی خود، در رقابت های چهار جانبه MANAS



دري که بر سر همان پاشنه می چرخد! اصرار بر سر اعزام نفرات پیشنهادی به مراسم قرعه کشی رقابت های جام جهانی



يعقوب سالکی نيا

در شرایطی که کمتر از یک ماه به مراسم قرعه کشی رقابت های جام جهانی ۲۰۲۶ زمان باقی است، گویا در خصوص اعزام نفرات قرار است در بر سر همان پاشنه بچرخد! و همان دوستانی که پیش از این نام آنها اعلام شده بود، به آن مراسم اعزام شوند. مراسمی که قطعاً، تعداد صندلی های در نظر گرفته شده در کنگره FIFA برای نمایندگان فوتبال تمامی کشورهای عضو، با آن اندازه که ما داریم نماینده اعزام می کنیم، نخواهد بود. و این را هم، ما نمی گوئیم، بلکه آنهایی می گویند، که سابقه چندین دوره حضور در مراسم های اینچنینی را داشته اند! همان هایی که هرگز تعدادشان فراتر از انگشتان یک دست هم نبوده است، اما کارها را با همان تعداد، به بهترین شکل ممکن انجام داده اند!

و آن، چندان در تصمیم گیری های مسئولان فدراسیون فوتبال نقشی نداشته و دوستان در آن فدراسیون همان کاری را انجام می دهند که تصمیم به انجام آن گرفته باشند. اما چه خوب می شود که رئیس فدراسیون فوتبال در خصوص شرح وظایف دوستان اعزامی هم توضیحاتی را ارائه دهند، تا مشخص شود که این دوستان قرار است در آمریکا و در حاشیه مراسم قرعه کشی رقابت های جام جهانی ۲۰۲۶ چه کار یا کارهایی را انجام دهند، که آنها می دانند! اما علاقه مندان به فوتبال نمی دانند!

اصلاً مشخص نیست که در آن ادواری که تنها ۳ یا ۴ نفر از فدراسیون فوتبال به مراسم های اینچنینی اعزام می شدند، چه کم کاری هایی صورت می گرفت که قرار است این دوستان با این تعداد آنها را جبران کنند؟

چندی پیش رئیس فدراسیون فوتبال در اظهار نظری اعلام کرد که به جز یک نفر، که ویزای سفر به آمریکا جهت حضور در مراسم قرعه کشی جام جهانی برایش صادر نشده، بقیه برای رفتن به این سفر مشکلی ندارند! سفری که علیرغم توصیه وزیر ورزش و جوانان مبنی بر کم کردن تعداد مسافران آن، گویا قرار است به همان شکلی که فدراسیون فوتبال برنامه ریزی کرده است، صورت پذیرد، که این موضع گیری نشان می دهد که توصیه های این



با انسان هایی از جنس بلور

سادات رضاعی؛ رییس و اندیشمند فرهیخته ای که قهرمان ملی ژیمناستیک ایران بود



فرامر زنگینی

تحصیلات عالیہ داشت و دو دوره، ریاست فدراسیون ژیمناستیک را هم عهده دار شد. در عین تدبیر، اقتدار، جسارت و شجاعت مدیریتی، مهربان، فروتن و پر از تواضع بود. شادروان، جناب استاد فقید سید عبدالکریم سادات رضاعی، آقای ژیمناستیک ایران، در بیست و پنجم مرداد ماه

سال یکهزار و سیصد و چهارده در تهران متولد شد و در روز بیست و ششم اسفند ماه سال یکهزار و سیصد و هشتاد و نه، پس از یک عمر فعالیت های آموزشی، معلمی، استادی و مدیریت علمی و ورزشی در تهران و در سن هفتاد و پنج سالگی، دارفانی را وداع گفت و پیکر ایشان با حضور خانواده محترم شان، پس از تشییع با شکوه توسط مسوولان ورزش کشور، همکاران دانشگاهی، ورزشی و شاگردانش در مجموعه ورزشی شهید شیرودی، در قطعه نام آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد. مرحوم استاد سادات رضاعی، طی سالهای یکهزار و سیصد و سی و شش لغایت یکهزار و سیصد و سی و نه عضو ثابت تیم ملی بود و در سال یکهزار و سیصد و سی و نه قهرمان قهرمانان مسابقات باشگاههای تهران که در آن زمان، بالاترین سطح فنی رقابت های ژیمناستیک بود، شد. استاد فقید سادات رضاعی با تجربه شرکت در مسابقات جهانی ژیمناستیک هنری مردان، دارای مدرک تحصیلی دکترای تربیت بدنی بود و از سال یکهزار و سیصد و چهل و هفت عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم گردید. وی دارای کارت مربیگری و داوری درجه یک ژیمناستیک هنری مردان و طی هشت سال در قبل و بعد از پیروزی انقلاب، عضویت در هیأت رییس فدراسیون ژیمناستیک را نیز تجربه و در کارنامه خود داشت. ایشان به موازات این مسوولیت ها، سالهای متعددی ریاست انجمن ژیمناستیک دانشگاه ها را نیز بر عهده گرفته و همزمان با برگزاری بازیهای آسیایی بوسان در کره جنوبی، اعضای کنفدراسیون ژیمناستیک آسیا در مجمع عمومی حضور یافته و انتخابات هیأت رییس و روسای کنفدراسیونهای مناطق آسیا را برگزار کردند که طی آن، سید عبدالکریم سادات رضاعی با کسب اکثریت آرا به عنوان رییس کنفدراسیون ژیمناستیک غرب آسیا انتخاب شد. در همان فردای روز درگذشت استاد، یکی از خبرگزاری ها نوشت: سادات رضاعی از قهرمانان و پیشکسوتان ورزش ژیمناستیک، مدرس دانشگاه و از چهره های با اخلاق بود که سالیان طولانی به عنوان مدیر و معلم در عرصه ورزش کشور خدمت کرد ... و از زحماتش بی ادعای جامعه ورزش محسوب می شد که تا واپسین روزهای حیات نیز به وظیفه خود در این راستا، عمل کرد.

سادات رضاعی، در زمان خودش، شیوه ای نوین در مدیریت را پایه گذاشت و آن احترام و حفظ حرمت سرمایه های ژیمناستیک بود، به کسوت احترام می گذاشت و مدیریت را در خدمت دلسوزانه و صادقانه به جامعه ورزش و ژیمناستیک کشور می دانست. در دوران ریاست خود بر فدراسیون ژیمناستیک، بهره مندی از حداقل امکانات را برای شخص خود قائل بود و بیش از آن را، به نوعی اجحاف در حق سرمایه های انسانی ملی ژیمناستیک تلقی می کرد. باورش سخت است، اما مرحوم سید عبدالکریم سادات رضاعی، نه تنها به عنوان رییس فدراسیون ژیمناستیک، از این فدراسیون، حقوقی دریافت نمی کرد، بلکه در مواقعی که حساب فدراسیون، خالی از منابع مالی بود و نیاز مبرم به پرداخت حقوق و حق الزحمه داوران و غیره می شد، از قرض دادن به فدراسیون ژیمناستیک هم، دریغ نمی کرد. راستگویی، صداقت، مناعت طبع، عزت نفس و ... از دیگر صفات بارز «مرحوم استاد فقید «سادات رضاعی» بود. حمایت تمام قد از همکاران فدراسیونی و برخورد بزرگ منصفانه با منتقدان و حتی مخالفان، نمونه ارزشمندی از مدیریت مدبرانه و مهربانانه او بود. صراحت در گفتار و صداقت در رفتار و کردارش، قابل ستایش بود ... و صد البته، حتی مخالفانش نیز او را دوست داشته و به ایشان احترام می گذاشتند.

«سادات رضاعی» احترام ویژه ای در نزد کارگزاران و مسوولان ارشد سازمان تربیت بدنی به ویژه شادروان حسن غفوری فرد ریاست وقت سازمان، جواد متقی و سعید فائقی معاونان فنی پیشین سازمان، سعید کاشفی مدیر کل وقت دفتر امور مشترک فدراسیون ها، محمد مایلی کهن، شادروان رضا صنعی، مدیران ستادی سازمان، مدیران کل تربیت بدنی استانها و ... و اصحاب رسانه داشت و تا زمانی هم که در قید حیات بود، همین حرمت و کسوت و احترام را نزد اهالی ورزش دارا بود. در دوران ریاست این استاد فرهیخته، اقدامات زیر بنایی و مفیدی در جهت توسعه ژیمناستیک قهرمانی در سطح استان های کشور صورت گرفت و با برگزاری رقابت های کشوری در قالب جشنواره با الزام شرکت تمامی هیأت های استانی با تیم های منتخب در هر پنج گروه سنی تعریف شده در آن دوران، جنب و جوش و شور و هیجان وصف ناپذیری در

خانواده ژیمناستیک کشور ایجاد شد. برگزاری کلاس های بین المللی داوری و ...

توسعه دیپلماسی ورزشی و روابط توأم با احترام با مدیران تأثیر گذار در فدراسیون بین المللی ژیمناستیک (FIG) و برخی از کشورهای صاحب نام در آن دوران؛ از جمله کشورهای رومانی، چین، مجارستان، آلمان و اوکراین و ... سبب ساز بهبود و ارتقای سطح دانش داوران و مربیان سازنده گردید.

استاد فقید «سادات رضاعی» در نگارش و نوشتن هم صاحب قلم بود، تحقیقات و پژوهش های ایشان در زمینه ورزش و همچنین تدوین و تنظیم کتاب آموزش ژیمناستیک پایه ویژه دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی از جمله آثار ماندگار ایشان در این عرصه بود. اشتباه نکنم، پاییز سال یکهزار و سیصد و شصت و هشت بود که با ابلاغ روانشاد حسن غفوری فرد ریاست وقت سازمان تربیت بدنی پیشین و در زمان معاونت فنی جواد متقی، به عنوان رییس فدراسیون ژیمناستیک منصوب و دوره اول ریاست ایشان آغاز و تا نیمه های سال یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار ادامه یافت. ... و پس از آن و در اولین تجربه انتخاباتی شدن روسای فدراسیون های ورزشی، و در زمستان سال یکهزار و سیصد و هفتاد و نه و در جریان انتخابات ریاست فدراسیون ژیمناستیک که با حضور سعید فائقی معاونت وقت فنی سازمان در قامت ریاست مجمع، برگزار گردید،

سادات رضاعی با کسب آرای اعضای مجمع، اولین رییس انتخاباتی فدراسیون ژیمناستیک شد و دوره دوم ریاست ش پس از پنج سال دوری، مجدداً آغاز گردید، ... ولی متعاقب آن، پس از حدود بیست و دو ماه تلاش و سازندگی و در پی اضافه شدن تبصره ای جدید در اساسنامه فدراسیون های ورزشی که به تأیید و تصویب هیأت دولت وقت هم رسید، محسن مهرعلیزاده رییس سازمان تربیت بدنی در آن زمان، اقدام به برکناری آن آقای ژیمناستیک ایران سادات رضاعی از فدراسیون کرد. شگفتی، تعجب و تأسف از آن بابت بود که هیأت دولت وقت با اضافه کردن همین تبصره ناقابل، کل موضوع انتخاب و انتخابات و دموکراسی ورزشی را با خاک یکسان نمود و این سوال همچنان بی پاسخ ماند که آیا؛

وزیران وقت «تأیید کنندگان اضافه شدن آن تبصره» دانستند که چه «بدعت» اشتباه و تاریخی را در موضوع اساسنامه فدراسیون های ورزشی پایه گذاری کردند یا خیر؟! از بزرگواری و گذشت و ایثار مرحوم «سادات رضاعی» همین بس که در پی درگیری و برخورد فیزیکی رییس اسبق فدراسیون با وی، که در صورت شکایت ایشان، تبعات حقوقی، قانونی و بازخوردهای منفی و سنگینی را متوجه مسوولان سازمان تربیت بدنی وقت می کرد، به مصلحت و صلاح ورزش و ژیمناستیک کشور، قول سکوت داد و هیچ شکایتی نکرد. به شهادت تاریخ، مرحوم سید عبدالکریم سادات رضاعی در تمام مدتی که به عنوان رییس در فدراسیون ژیمناستیک مسوولیت داشت، هیچ چیزی برای خودش نخواست و اگر درخواست و خواهشی هم از مقامات بالادستی می کرد، فقط و فقط در راستای کمک به ژیمناستیک، ژیمناست ها و خانواده ارزشمندان ورزش زیبا، پایه، مادر، بنیان ساز و پر مدال ایران بود. از جناب استاد فقید، دو فرزند پسر و یک فرزند دختر به یادگار ماند که در کنار مادر بزرگوارشان هستند.

سید عبدالکریم سادات رضاعی از مفاخر ورزش ایران، به عنوان چهره ای ماندگار، عمری پر از خیر و برکت و اقدامات مفید و سازنده داشت.

روحش شاد و نامش ماندگار.

قابل توجه بازیکنان پرمدعای تیم ملی؛

دهداری بود رنگ جام جهانی را نمی دیدید!



سید مهدک فاطمی



بازیکن سالاری به معضل تازه و خطرناک برای تیم ملی فوتبال ایران تبدیل شده است. شکست دوباره شاگردان امیر قلعه‌نویی مقابل ازبکستان ده‌مفره که در ضیافت پنهانی ها رقم خورد، باز هم این تیم همیشه پر حاشیه را به مرکز بحث‌ها و انتقادات کشاند. در چنین شرایطی، مصاحبه‌های آتشین بعد از بازی و فرار رو به جلوی برخی بازیکنان نه تنها از شدت انتقادات نکاست، بلکه آتش نارضایتی مردم را شعله‌ورتر کرد؛ بازیکنانی همیشه طلبکار و از خود راضی که گمان می‌کنند هیچ‌کس جایگزین‌شان نبوده و نیست و تا به امروز نسلی بزرگ‌تر از آنها متولد نشده و بعد ها هم زاده نخواهد شد، آنها به جای پاسخ‌گویی و دلجویی از هواداران، زبان تهدید و تحقیر پیش گرفته‌اند! این دقیقاً محصول ضعف آشکار کادر فنی و مدیران فدراسیون است. جایی که نه اقتداری برای مهار بازیکن سالاری وجود دارد و نه اراده‌ای برای بازگرداندن نظم و حرمت به تیم ملی. بازیکنانی که بدون کمترین دستاورد دندان‌گیری از مزایا و امتیازاتی برخوردار شده‌اند که برای مردم عادی رؤیایی دست نیافتنی است؛ از حواله‌های خودروهای لوکس که بسیاری توان خرید چرخ‌های‌شان را هم ندارند، تا معافیت‌های نظام وظیفه! کدام تیم را سراغ دارید که رئیس جمهور مملکت فارغ از هزاران درد و دغدغه و گرفتاری پا به پای‌شان تمرین کرده باشد؟! بعضی بازیکنان که تیم ملی را ارث پدری می‌دانند، حتی پا را فراتر گذاشته و خود را آخرین نسلی می‌دانند که توان رسیدن به جام جهانی را دارد! این‌ها سن‌شان قد نمی‌دهد روزی را به خاطر بیاورند که پرویز دهداری روی نام ۱۴ بازیکن بزرگ و محبوب آن دوره که ناز کرده بودند، خط قرمز کشید. او رفت و از دل محله‌ها، تیم‌های دسته پایین و کوچه پس‌کوچه‌های جنوب شهر نسل تازه‌ای ساخت و همان جوان‌های بی‌نام و نشان را به مصاف کویت قدرتمند آن سال‌ها فرستاد و برنده هم از میدان خارج شدند! نسلی که به سرعت برق و باد جایگزین نام‌های بزرگ و پر طمطراق قبلی شدند.

آزی؛ اگر امروز دهداری روی نیمکت تیم ملی بود، هیچ‌یک از این پرمدها حتی رنگ اردو را هم نمی‌دیدند، چه برسد به جام جهانی! فوتبال ایران همیشه پر از استعداد بوده و خواهد بود. فاصله بین ستاره‌های ما با بازیکنان معمولی آن‌قدرها نیست که کسی را بی جایگزین بدانیم. این توهمی است که فقط در سایه بی‌عملی مدیران و رهاشدگی تیم ملی به‌وجود آمده است.

تیم ملی خانه شخصی هیچ‌کس نیست

تازمانی که حاشیه‌سازان و بازیکنان پرمدها کنار گذاشته نشوند؛ تازمانی که اقتدار به نیمکت و احترام به پیراهن ملی برنگردد؛ تا زمانی که «چند نفر» خود را تافته جدا بافته بدانند و سرنوشت تیم ملی به خواسته‌های آنان گره بخورد، مسیر موفقیت در جام جهانی باریک‌تر و پر مخاطره‌تر از همیشه خواهد بود. جام جهانی جای بازیکنانی نیست که به مردم چنگ و دندان نشان می‌دهند؛

بلکه جای کسانی است که برای مردم می‌جنگند.



فینال پرشور لیگ برتر کشتی فرنگی فرا رسید! نبرد قهرمانی در ایستگاه پایانی



صادق رضایی

دانشگاه آزاد اسلامی، صف‌آرایی کرده‌اند تا برای رسیدن به فینال در دیدارهای ضربدری حضوری پر قدرت داشته باشند. در رقابت‌های نیمه‌نهایی: استقلال قم در مقابل دانشگاه آزاد اسلامی و رعد پدافند ارتش در



چهاردهم آذرماه، زمان تعیین سرنوشت قهرمان لیگ برتر کشتی فرنگی و صحنه رویارویی نهایی بهترین‌های این رشته ورزشی در سالن شهدای هفتم تیر است. به گزارش خبرنگار پایگاه خبری و تحلیلی وقت اضافه، رقابت‌های گروهی لیگ برتر کشتی فرنگی با تعیین برترین تیم‌ها به پایان رسید و اکنون، چهار تیم برتر کشور برای رسیدن به فینال در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف هم می‌روند. در یک سوی میدان، از گروه A تیم‌های استقلال قم و رعد پدافند ارتش و در سوی دیگر از گروه B تیم‌های نفت و گاز زاگرس جنوبی و

مقابل نفت و گاز زاگرس جنوبی قرار خواهند گرفت. شنیده‌ها از حضور بهترین کشتی‌گیران ملی‌پوش و دارندگان مدال‌های المپیک و جهانی در این آوردگاه خبر می‌دهد. برای هماهنگی با این سطح از رقابت، انتظار می‌رود فدراسیون کشتی با تدارکی بی‌نظیر، مسئولیت میزبانی این رویداد بزرگ را به عهده گیرد، انتخاب داوران با تجربه از جمله داوران درجه المپیک و یک بین‌المللی برای قضاوتی عادلانه و دقیق و همچنین حضور فعال نماینده کمیته انضباطی برای حفظ فضای سالم رقابتی، از ضروریات این مسابقات است. برگزاری این رویداد بزرگ، در سالنی مجهز و با جایگاه تماشاچیان وسیع و مناسب، در سالن شهدای هفتم تیر تهران این فرصت استثنایی را برای تمامی علاقه‌مندان به کشتی فراهم می‌کند تا شاهد روزی حماسی و ماندگار برای ورزش اول کشور باشند.

لزوم آینده نگری وزارت ورزش و جوانان

لطفاً حواس تان به مجمع انتخاباتی فدراسیون سوارکاری باشد!

ماه نیمه‌آمده است، ولی این را نوشتیم تا مسئولین و مدیران برگزاری مجامع وزارت ورزش و جوانان از همین حالا در جریان اتفاقات پیش رو قرار گرفته و کاری نکنند که زمینه بروز شکایت و [] برای برخی از کاندیدها فراهم شود. که اصلاً این موضوع برای وزارتخانه‌ای که هنوز تکلیف مجامع انتخاباتی فدراسیون‌های کاراته، موتورسواری، بدنسازی و پرورش اندام و ... آن مشخص نشده، اصلاً مورد خوبی نیست.

حاضر در زمره کاندیدهای سوارکاری قرار دارد و پرونده‌های موجود گواه از این واقعیت است که حضور این کاندیدا در مجمع انتخاباتی روز ۵ آذر ماه باعث خواهد شد، تا زمینه اعلام شکایت از روند انتخابات برای برخی از کاندیدها فراهم شده و مجمعی که هنوز تا زمان برگزاری آن نزدیک به ۱۰ روز زمان باقی است، به حاشیه برود. هر چند که هنوز تایید صلاحیت کاندیدهای فدراسیون سوارکاری برای حضور در مجمع انتخاباتی ۵ آذر

چندی پیش یکی از کاندیدهای پست ریاست فدراسیون سوارکاری شکایت‌نامه‌ای را بر علیه وزارت ورزش و جوانان به مراجع ذیصلاح اعلام داشت. شکایت‌نامه‌ای که پس از بررسی جامع و کامل، رای آن به نفع وزارت ورزش و جوانان صادر شد تا مشخص شود که این شکایت از بیخ و بن محلی از اعراب نداشته و صرفاً برای گذران وقت صورت گرفته است. اما نکته جالب‌تر در این میان اینکه، همین فرد شکایت کننده در حال



تأملی درباره حضور و کنار رفتن وحید هاشمیان از پرسپولیس

فرصتی از دست رفته برای اخلاق و حرفه‌ای‌گرایی



احمد صاحبی

می‌خواهم چند خطی را از دل یک هوادار و دلسوخته فوتبال ایران با شما در میان بگذارم: حرف‌هایی درباره آنچه این روزها در مورد وحید هاشمیان و پرسپولیس می‌گذرد. هاشمیان همیشه نماد اخلاق و تعهد در فوتبال ایران بوده است؛ انسانی شریف، از خانواده‌ای معزز و شهید داده، که هرگز خود را وامدار این سابقه نمی‌دانست و مسیرش را با تلاش شخصی طی کرد. همه او را به عنوان فوتبالیستی حرفه‌ای، با اخلاق و با درک عمیق از فوتبال ایران می‌شناختند. اما نمی‌دانم دقیقاً چه شد که تصمیم گرفت هدایت پرسپولیس را بپذیرد. احتمالاً

مشاورانی داشت و با بررسی شرایط به جمع‌بندی رسید، چون فوتبال ایران و ساختار باشگاهی‌اش را به خوبی می‌شناخت. با این حال، از همان روزهای اول حضورش در پرسپولیس، به نظر می‌رسید که بعضی‌ها از این انتخاب خوشحال نبودند. عده‌ای که از قبل برنامه و منافع خود را چیده بودند، سابه به سابه او حرکت کردند، تا فرصت کار و آرامش را از او بگیرند. آن‌ها شاید از نظر فنی در جایگاه درستی نبودند، اما از نظر مالی و ارتباطی قدرت داشتند و در تصمیمات باشگاه تأثیرگذار بودند. فضای مدیریتی غیرورزشی و غیر حرفه‌ای حاکم بر باشگاه هم متأسفانه این سناریو را کامل‌تر کرد. اما نکته اصلی این است

که ما باید به هاشمیان نگاهی متفاوت می‌داشتیم و از او حمایت می‌کردیم. فرصتی نادر در اختیار فوتبال ما بود؛ انسانی با اخلاق، با فکر و با پیشینه‌ای قابل احترام. اما به جای آنکه این فرصت را قدر بدانیم، چنان رفتار شد که گویی آمده‌ایم تا این طرز فکر مبتنی بر اخلاق و تعهد را نابود کنیم و حالا می‌بینیم که دوستان خیلی زود و با عجله به سراغ مربی خارجی رفتند. سوال مهم اینجاست که آیا این تصمیم واقعاً از سر ضرورت یا از پیش برنامه‌ریزی شده بود؟ اصل ماجرا نشان می‌دهد که هماهنگی‌ها مدت‌ها قبل انجام شده بود و سرمربی جدید، از مدتی پیش در سابه تیم حضور داشت. ما در این میان به اخلاق حرفه‌ای، به رفتار حرفه‌ای، به مرام و معرفت، بد کردیم. این واژه‌ها کم‌کم دارند معنای خود را از دست می‌دهند، مگر آنکه دوباره در عمل به آن‌ها برگردیم.

وحید هاشمیان سزاوار این بی‌مهری نبود. او باید نماد بازگشت اخلاق و تخصص در فوتبال ما می‌شد، نه قربانی فضای ناسالم تصمیم‌گیری‌ها.



فرصتی که برای رسانه های غیر خودی از دست رفت!

ایکاش میزبان بازیهای همبستگی کشورهای اسلامی ۲۰۲۹ می شدیم!



حالا، یعنی چهار سال زودتر برایشان سفر بی خطری را از درگاه خداوند منان آرزو می کنیم!

تماشاگر هم که شده راهی سالن های برگزاری مسابقات شوند، اما متأسفانه میزبانی مسابقات چهار سال دیگر هم به مالزی رسید تا دوستان از همین حالا قول سفرش را به دوستان دیگر خود بدهند و از همین حالا لیست چهار سال دیگر را هم ببندند! اما باز جای نگرانی چندانی وجود ندارد. چرا که خدا مثل همیشه بزرگ است و تا ۴ سال دیگر معلوم نیست که چه کسانی هستند و چه کسانی نیستند و همین واقعیت های زندگی است که خیلی ها را امیدوار نگه می دارد. وقتی در ریاض عربستان تکلیف میزبان مسابقات چهار سال دیگر مشخص شد، خیلی ها که بواسطه ارتباطات خود، مسافرین همیشگی سفرهای این چنینی هستند خوشحال شدند و در عوض خیلی های دیگر هم ناراحت! البته عده ای هم در میان این دو وضعیت قرار داشتند. همان هایی که اطمینان دارند چهار سال دیگر و در هر شرایطی عازم مالزی خواهند بود. همانهایی که از همین

اگر میزبان بازیهای همبستگی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۲۹ می شدیم چه اتفاقات خوبی که برای ورزش ایران و رسانه های غیر خودی (البته به تعبیر برخی از دوستان) نمی افتاد! چقدر مسئولان این رسانه های غیر خودی خدا، خدای می کردند که میزبانی رقابت های چهار سال آینده به ایران واگذار شود تا نمایندگان آنها نیز این فرصت را داشته باشند که به عنوان نماینده اعزامی به مسابقات رفته و ID کارت آن را دریافت نمایند! اگر میزبانی به ایران می رسید و مسئولان برگزاری مثل همیشه برای عده ای خاص از رسانه های غیر خودی عنوان می کردند که متأسفانه لیست اعزامی ها بسته شده است، حداقل نمایندگان این رسانه ها، این شانس را داشتند که اگر هم نمی توانند به عنوان خبرنگار و یا عکاس به تماشای مسابقات بنشینند اما این مزیت حداقلی را خواهند داشت که با وسایلی مانند مترو، اتوبوس، ون، مینی بوس، موتورسیکلت و ... بعنوان

آمارهایی که هیچگاه ارائه نمی شوند!

همراهان و میهمانان خودمانی سفرهای ورزشی!

چرا که اگر قرار بود چنین اتفاقی بیفتد، الان شرایط ورزش آن چیزی نبود که در حال حاضر هست!

و خاطراتش و امیدواریم که این سفرها و این دوستان بتوانند در بازگشت، چیزی را به ورزش کشور اضافه کنند که بعید می دانیم،

اعزام کاروان های ورزشی به رقابت های آسیایی، جهانی، المپیک، پارالمپیک و ... همیشه فرصت خوبی است تا در کنار آن اعزام ها برخی از دوستان و همراهان نیز از شلوغی ها نهایت استفاده را کرده و به آن رقابت ها اعزام شوند. دلیل آن هم خیلی واضح و روشن است یا کسی اصلاً متوجه حضور این اساتید و دوستان در آن سفرها نخواهد شد و یا اگر هم بشود آنقدر دلیل، توجیه و بهانه توسط مسئولین ردیف می شود که بتوان به نوعی سفر آن عزیزان را استتار کرد! به هنگام برگزاری بازی های جوانان در بحرین اگرچه تعداد اعضای کاروان ایران و رشته های ورزشی آن تقریباً مشخص بود، اما هیچکس آماری را در خصوص تعداد همراهان، میهمانان، کادر سرپرستی و ... را ارائه نکرد. درست مانند مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی که دست بر قضا مخاطبان، تصاویر برخی از دوستان و همراهان را از قاب تلویزیون رویت کردند. تصاویری که ثابت می کرد، که آن همیشگی ها، باز هم هستند و اگرچه دلیلی هم برای حضور آنها وجود ندارد، اما گویا باید باشند تا به واسطه آنها خیلی از اتفاقات در ورزش ما بیفتد، که گویا می افتد! به هر حال سفر است

RIYADH 2025

النسخة السادسة من دورة ألعاب التضامن الإسلامي
The 6th Edition of the Islamic Solidarity Games



حذف رییان پنالتی به ابتکار کولینا



پس از مهار ضربه پنالتی توسط دروازه بان، یا برخورد توپ به تیر دروازه، بازی با سوت داور متوقف خواهد شد و دیگر فرصت گلزنی از ضربه برگشتی وجود نخواهد داشت.

پیرلوییچی کولینا، رئیس کمیته داوران فدراسیون بین المللی فوتبال FIFA در حال بررسی طرحی برای حذف رییان پنالتی ها در جریان بازی است. بر اساس طرح ارائه شده از سوی کولینا،

سرمایه گذاری در ورزش، سرمایه گذاری بر روی انسان هاست



بهداشتی دارد؛ از کاهش هزینه های درمانی تا ارتقای سلامت و تاب آوری جوامع را در بر می گیرد.

سرمایه گذاری در برنامه های مبتنی بر ورزش، تا شش برابر بازده اجتماعی دارد. او با اشاره به نابرابری های جهانی، درگیری ها و بیکاری جوانان افزود: ورزش یکی از مؤثرترین راه حل های کم هزینه و پُر اثر برای ایجاد صلح و انسجام اجتماعی است. کاونتری همچنین در چارچوب راهبرد «المپیزم ۲۰۳۵» گفت: ورزش در بیش از ۱۸۰ کشور به بهبود صلح، آموزش، سلامت، برابری جنسیتی و توسعه جوانان کمک می کند. ما هر روز می بینیم که چگونه ارزش های المپیک در زندگی واقعی مردم متجلی می شود. رئیس IOC در پایان تصریح کرد: هر دلار سرمایه گذاری در ورزش و فعالیت بدنی، چهار برابر بازده اقتصادی و

در جریان دومین اجلاس جهانی توسعه اجتماعی در دوحه، کرستنی کاونتری، رئیس کمیته بین المللی المپیک، از کشورهای عضو سازمان ملل خواست تا فراتر از شناسایی نقش اجتماعی ورزش رفته و در آن سرمایه گذاری کنند. او در پیامی ویدئویی گفت: از تمام کشورها بابت درج نام ورزش در بیانیه سیاسی به عنوان ابزاری برای همبستگی و توسعه اجتماعی تشکر می کنم، اما حالا باید این شناسایی را به سرمایه گذاری تبدیل کنیم؛ زیرا سرمایه گذاری در ورزش، سرمایه گذاری بر روی مردم، بر امید و بر تعلق خاطر است. در نشست جانبی با عنوان «از سیاست تا زمین بازی» که با همکاری IOC برگزار شد، کاونتری تأکید کرد هر دلار

شعبانی بهار عضو هیات رئیسه کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا شد



برای دومین دوره پیاپی و برای چهار سال دیگر عضو هیات رئیسه کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا شود. دوازده نفر کاندیدای حضور در این پست بودند که شعبانی بهار به همراه نمایندگان از هند، عربستان، نپال و سریلانکا پنج نفری بودند که توانستند عضو هیات رئیسه کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا شوند.

غلامرضا شعبانی بهار، رئیس فدراسیون تیراندازی با کمان ایران، برای دومین دوره پیاپی عضو هیات رئیسه کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا شد. نشست کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا در بنگلادش برگزار شد و غلامرضا شعبانی بهار که کاندیدای پست هیات رئیسه کنفدراسیون تیراندازی با کمان آسیا بود، توانست

شهر سلانگور مالزی میزبان هفتمین دوره بازی های همبستگی کشورهای اسلامی شد!



کمیته نظارت به مجمع عمومی این انجمن ارسال گردید. مجمع عمومی انجمن کشورهای اسلامی امروز و در حاشیه برپایی چهاردهمین نشست خود اعلام کرد که میزبان هفتمین دوره بازی ها، شهر سلانگور مالزی خواهد بود. هفتمین دوره بازی های همبستگی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۲۹ خواهد شد.

مجمع عمومی انجمن همبستگی کشورهای اسلامی در چهاردهمین نشست خود میزبانی دور بعد بازی ها را به شهر سلانگور مالزی اعطا کرد. پس از بازدید نمایندگان اعزامی انجمن همبستگی کشورهای اسلامی جهت بررسی شرایط میزبانی سه کشور ایران، ازبکستان و مالزی و بعد از برپایی نشست های کارشناسی، نتیجه و تصمیم

تولد یکی از وفادارترین و باوقارترین هوادار فوتبال



او را فراموش کند. چرا که گنجینه‌ها همواره باید برای جامعه‌ای که قدر دان تلاش‌های خادمان خود است ماندگار باقی بمانند.

زادروزت مبارک مرد بزرگ. تولدت پر تکرار

شهرت دارد و امروز هاشم قاسمی، امیر ساعد وکیل، محمد ملازینل، علیرضا عطری، مهران صدر، عطیه محب زاده، اشکان باقرزاده، فرزاد التجایی، احسان شاهپوری، علی ضیابری و ... همراهان این انسان دوست داشتنی در محل جمعیت حامیان هواداران فوتبال ایران در سالروز تولدش سنگ تمام گذاشتند. آنها از ساعت اولیه صبح مراسمی را تدارک دیده بودند، تا به نوعی محمدرضا تهرانی را سوپرایز کرده باشند، که این اتفاق مهم هم به بهترین شکل ممکن افتاد و مراسم تولد انسانی برگزار شد که ورزش و فوتبال ایران نباید هیچگاه

بهانه‌ها را بدون بهانه دوست داریم. چرا که هر چیزی در وقتش آنقدر زیبا و جذاب است که بهانه‌ای برای آن نمی‌توان تصور کرد.

محمدرضا تهرانی امروز در شمع گرامیداشت ۸۳ سالگی خود دمید و وارد ۸۴ سالگی شد، تا همچنان ورزش و فوتبال ایران خوشحال به حضور او باشد. حضوری که همواره تاثیر گذار بوده و هست و این را دوست و دشمن هم تایید می‌کنند.

محمدرضا تهرانی با لبخندی که همواره بر لب دارد در اذهان ورزشی‌ها و فوتبالی‌ها به یک انسان خوش قلب، با مرام، مهربان، مردم‌دار و وارسته

دیگر رفتن به جام جهانی برای هیچ تیمی در قاره آسیا آرزو نیست!



رسیده ایم، بدون شما نیز این راه را با موفقیت طی کنیم. چرا که این ادعا در حال حاضر چیزی به جز دوستی در تیم ملی را باعث نشده و تنها بساط بازیکن سالاری را مهیا می‌سازد!

اینکه تا به امروز خدا را شکر هیچ گاه تیم ملی فوتبال ایران قائم به فرد یا افراد نبوده و هرگاه، همه اعضای تیم ملی خوب و در اختیار بوده‌اند، موفقیت رسیدن به جام جهانی حاصل شده است.

آقای آزمون لطفاً شما اصلاً نگران نباشید و مطمئن باشید که تیم ملی فوتبال ایران بدون شما و دوستانی که از آنها نام برده‌اید، هم این خاطرات حضور در جام جهانی را برای فوتبال ایران تکرار خواهند کرد، و این کار چندان سخت و دشواری هم نیست. فراموش نکنیم در فوتبالی که قطر، اردن، ازبکستان، عربستان و ... از قاره کهن توانسته‌اند جواز حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را بدست بیاورند، ما هم می‌توانیم همانطور که با شما به جام جهانی

سردار آزمون مهاجم مصدوم تیم ملی فوتبال ایران، چندی پیش در اظهار نظری قابل تأمل مدعی شد، که چنانچه من یعنی، سردار آزمون، مهدی طارمی، علیرضا بیرانوند، علیرضا جهانبخش و شجاع خلیل‌زاده نباشیم صعود به جام جهانی برای فوتبال ایران آرزو می‌شود. جمله‌ای قصار که قطعاً با شنیدن یا خواندن آن نه تنها خود سردار آزمون بلکه دوستانش نیز از تعجب دهان‌شان باز خواهد ماند! سردار آزمون گویا نمی‌داند که با شرایط جدید FIFA و جام جهانی ۴۸ تیمی دیگر رفتن به این رویداد بزرگ برای هیچ تیمی در قاره کهن آسیا آرزو نیست! چه برسد به تیم ملی فوتبال ایران که یکی از قدرت‌های اول فوتبال آسیا است. ضمن

بلا تکلیفی در فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام



که مدنظر دوستان در وزارت ورزش باشد، باز باید زودتر اعلام تا به حرف و حدیث‌ها و گمانه‌زنی‌ها پایان دهد. چرا که ادامه این وضعیت نه به نفع ورزش کشور خواهد بود و نه به نفع فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام!

که سرپرست این فدراسیون حالا همچون گذشته و شاید هم با انگیزه بیشتری دارد کارها را پیش می‌برد. ضمن اینکه مدعی همیشگی ریاست این فدراسیون هم به هر حال رضایت داد که به کشتی برود و با این رفتن اعلام کند که دیگر به حضور در فدراسیون بدنسازی و پرورش نام فکر نمی‌کند! یا حداقل، ظواهر امن این را نشان می‌دهد. در چنین وضعیتی بهترین گزینه ممکن، تعیین تکلیف برای این فدراسیون پر مخاطب است. یا انتخابات گذشته و جاهت خودش را دارد و یا اینکه بنا به دلایلی مسئولان تصمیم گیر و تصمیم ساز در وزارت ورزش جوانان می‌خواهند، شیوه جدیدی از مدیریت را در این فدراسیون تجربه کنند. و یا اینکه فعلاً می‌خواهند این فدراسیون را به حال خودش رها کرده تا در فرصت مناسب به وضعیت آن رسیدگی کنند! که هر کدام از موارد فوق هم

گویا اراده‌ای برای تعیین وضعیت فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام وجود ندارد! و دوستان در وزارت ورزش با شرایط کنونی این فدراسیون هم مشکلی نداشته و می‌خواهند به هر شکل ممکن کار را به همین وضعیت ادامه دهند، که اگر قرار است چنین وضعیتی حاکم باشد، بهتر است دوستان در وزارت ورزش موضع خود را اعلام تا شاید بلا تکلیفی دست از سر این فدراسیون بردارد. چرا که دیگر ادامه چنین وضعیتی به نوعی توهین به جامعه پر مخاطبی تلقی می‌شود، و نه هیچ چیز دیگر! مجمع انتخاباتی فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام در تاریخ ۲۵ مهرماه (بله، ۲۵ مهرماه) برگزار و رئیس آن هم توسط اعضای مجمع انتخاب و معرفی شده است، اما از آن تاریخ به بعد، دیگر هیچ اتفاقی در خصوص تعیین وضعیت این فدراسیون رخ نداد! به طوری

ستاد برگزاری بازی المپیک و پارالمپیک زمستانی میلانو کورتینا ۲۰۲۶ اعلام کرد



مدال‌های نقره، از نقره خالص با عیار ۹۹۹ ساخته شده است و مدال‌های برنز نیز از مس خالص ساخته می‌شوند. همچنین جعبه نگهدارنده مدال‌ها نیز از مواد قابل بازیافت تولید شده‌اند. گفتنی است بازی‌های المپیک زمستانی میلان و کورتینا از ۱۷ بهمن تا ۳ اسفند ۱۴۰۴ (۲۲ تا ۲۶ فوریه ۲۰۲۶) در ایتالیا برگزار خواهد شد.

ستاد برگزاری بازی المپیک و پارالمپیک زمستانی میلانو کورتینا ۲۰۲۶ چند روز پیش از مدال‌های این بازی‌ها رونمایی و درباره مواد سازنده این مدال‌ها توضیحاتی را ارائه داد. به گفته مسئولان برگزار کننده مدال‌های طلا، از نقره ساخته شده و با لایه‌ای از طلای خالص روکش می‌شوند. در ساخت این مدال از ۶ گرم طلا استفاده شده است.

مجامعی که باید بی‌عیب و نقص برگزار شوند!



می‌شود که از همین حالا برای برگزاری خوب و بی‌عیب و نقص مجامع انتخاباتی پیش رو تمهیداتی اندیشیده شود، که سرنوشت آنها به سرنوشت مجامع انتخاباتی فدراسیون‌های بدنسازی و پرورش اندام، کاراته، اتومبیلرانی و موتورسواری و ... دچار نشود!

بر اساس اعلام مسئولان مرتبط در وزارت ورزش و جوانان، طی ماه‌های آینده مجامع انتخاباتی برخی از فدراسیون‌های ورزشی برگزار خواهد شد تا بلکه با برگزاری این مجامع این رشته‌ها از بلاتکلیفی خارج و از گذران امورات خود با سرپرست آسوده خاطر شوند. اما چه خوب

زمان و مکان قرعه کش جام جهانی چهل و هشت تیمی اعلام شد



گفتنی است: در اقدامی بی‌سابقه هواداران هر یک از ۱۶ شهر میزبان (دو شهر در کانادا، سه شهر در مکزیک و ۱۱ شهر در ایالات متحده) می‌توانند در یک قرعه‌کشی ویژه شرکت و شانس حضور رایگان در این رویداد منحصر به فرد، را همراه با یک تجربه VIP داشته باشند. تعداد محدودی از بلیت‌ها به هر شهر میزبان اختصاص خواهد یافت و جزئیات روند قرعه‌کشی نیز به‌زودی اعلام خواهد شد.

مراسم قرعه‌کشی رقابت‌های فوتبال جام جهانی ۲۰۲۶ در تاریخ ۱۴ آذرماه و در مرکز هنرهای نمایشی جان اف. کندی در واشنگتن دی‌سی، برگزار خواهد شد. بر اساس اعلام فیفا، جام جهانی ۴۸ تیمی در سه کشور کانادا، مکزیک و ایالات متحده آمریکا برگزار می‌شود و مراسم قرعه‌کشی این رقابت‌ها نیز در پایتخت آمریکا یعنی واشنگتن انجام خواهد شد.

گالیاردی: مربیگری در ایران را دوست دارم



دارند و ممکن است به نیمه‌نهایی هم برسند. گالیاردی ادامه داد: می‌خواهم با این تجربه به همراه خانواده سفر کنم، چه به عنوان دستیار و چه سرمربی، آماده هستم. شاید در یک باشگاه ایتالیایی یا حتی یک تیم ملی هم سرمربی شوم. گالیاردی در پایان گفت: واقعیت این است که تا یک هفته پیش، کسی فکرش را نمی‌کرد که من به تهران بی‌آیم، اما آمدم.

بود. فرهنگ ایرانی همیشه مرا جذب کرده است، تاریخ آن‌ها را مطالعه کرده‌ام و از زمانی که ایران در جام جهانی ۱۹۹۸ آمریکا را شکست داد، پیگیرشان بودم. وقتی یک واسطه با فدراسیون تماس گرفت، فوراً قبول کردم. در ایران ساکن و زندگی خواهم کرد و ماهی یک بار و شاید کمتر، به ایتالیا بازی می‌گردم. گالیاردی گفت: سرمربی تیم ملی فوتبال ایران امیر قلعه‌نویی است، یک مربی باتجربه و توانمند که در مدیریت تیم نقش اصلی را دارد و من روی تاکتیک با سایر اعضای کادر کار می‌کنم و فیفادی نوامبر فرصت مشاهده و درک شرایط تیم است.

مربی ایتالیایی تیم ملی فوتبال ایران گفت: ژاپن می‌تواند سورپرایز باشد. از نظر فیزیکی ممکن است در محوطه جریمه با مشکل مواجه شوند، اما از یک سر به سر دیگر، سطحی برابر با بهترین‌ها

آنتونیو گالیاردی دستیار ایتالیایی تیم ملی فوتبال ایران در گفت و گو با رسانه ایتالیایی گازتا دلو اسپورت در خصوص شرایط فوتبالی خودش در دوران بازیگری گفت: خیلی زود از فوتبال منصرف شدم، چرا که نه فیزیک مناسب داشتم و نه توانایی رسیدن به سطح حرفه‌ای. در دوران بازیگری یک شماره ۱۰ در خصوص حضور در زمین فوتبال به من کمک کرد تا فوتبال را بهتر درک کنم.

گالیاردی افزود: یادآوری یوروی ۲۰۰۸ هنوز یکی از زیباترین خاطرات زندگی‌ام است. آن زمان ۲۴ ساله و شاید جوان‌ترین فرد در یک کادر فنی بودم. سرجیو بوسو استاد من بود، چون آدریانو باکونی، کار تحلیلگری مسابقات را در ایتالیا ابداع کرده بود، اما بوسو اولین تحلیلگر واقعی بود.

چیزی که شاید کسی باور نکند اما دو آرزو در زندگی داشتم و آن هم مربیگری در ژاپن و ایران

وقت اضلاع

پایگاه خبری

vaghteezafehvarzash.ir

با ما همراه باشید...

40 Stories of Sir Naser Azimi The Creator of Sports' Holy Tuesdays

Author: Mohammadreza Nasrollahzadeh



۴۰ حکایت از
عالیجناب ناصر عظیمی نایینی

خالق سه شنبه های مقدس ورزش

تألیف: محمدرضا نصرالله زاده